روزنامه نسیم
روزنامه صبح ایران
www.nasimnews.com
پنج شنبه۱۲ شهریور ۱۴۰۵ -۲۱ ربیع الاول ۱۴۴۸ -۳ سپتامبر ۲۰۲۶
سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و ورزشی شماره ۷۸۲۸- سال بیست و نهم -تک شماره ۵۰۰۰۰ تومان

جنگ اقتصادی علیه ایران؛

تشدید فشار یا اعتراف آمریکا به محدودیت قدرت؟

در صفحه۸

اقتصاد ایران در سایه تورم ۹۰ درصدی؛ چرا باید نگران باشیم؟

در صفحه۲

پیش بینی بازار مسکن تا پاییز؛ رکود ادامه دارد، اما خبری از ارزانی نیست

در صفحه۲

تهران صدرنشین جرایم سایبری؛ کدام جرم دغدغه پلیس فتاست؟

در صفحه۲

رئیس مرکز جوانی جمعیت:

رشد جمعیت کشور با تداوم وضع فعلی تا ۲ دهه آینده صفر می‌شود

در صفحه۲

مدیرعامل گاز:

خسارات جنگ را تا پیش از زمستان جبران می کنیم

نسلی که جهان را از صفحه موبایل می شناسد؛

از هیپی‌های دیروز تا "فرزندان الگوریتم"

شورش نسل جدید دیگر در خیابان نیست

یک پژوهشگر حقوق بین‌الملل کودکان به خبرآنلاین می‌گوید: "امروز دیگر الگوریتم‌ها صرفاً پیشنهاددهنده محتوا نیستند؛ آن‌ها در حال تبدیل شدن به معماران نامرئی تجربه انسانی هستند. آن‌ها تصمیم می‌گیرند نوجوان چه چیزی را بیشتر ببیند، چه کسی برای او الگو شود، از چه موضوعی خشمگین یا خوشحال شود و حتی چه برداشتی از موفقیت، زیبایی، بدن، ثروت یا روابط انسانی پیدا کند."نوجوانان امروز بخش قابل توجهی از زندگی خود را در فضایی می‌گذرانند که خانواده، مدرسه و حتی خود او کنترل کاملی بر آن ندارند. شبکه‌های اجتماعی و سامانه‌های هوشمند فقط ابزارهایی برای سرگرمی و ارتباط نیستند؛ آنچه می‌بینیم، دنبال می‌کنیم، دوست داریم و حتی آنچه از خود و دیگران تصور می‌کنیم، می‌تواند تحت تأثیر سازوکارهایی قرار گیرد که در پسِ صفحه نمایش فعالیت می‌کنند.

این مسئله زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که پای کودکان و نوجوانان در میان باشد؛ نسلی که هویت، ارزش‌ها و نگاهش به جهان هنوز در حال شکل‌گیری است.

محمدمهدی سیدناصری، حقوقدان، مدرس دانشگاه و پژوهشگر حقوق بین‌الملل کودکان، از نسلی می‌گوید که آن را "فرزندان الگوریتم" می‌نامد؛ نوجوانانی که بخشی از هویت، روابط اجتماعی، سلیقه، الگوهای مصرف و حتی تصویری که از خود دارند، در تعامل مداوم با الگوریتم‌ها شکل می‌گیرد.او به خبرآنلاین می‌گوید: "در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی، جوانانی که بعدها با عنوان "هیپی" شناخته شدند، در اعتراض به نظم مسلط، جنگ، مصرف‌گرایی و سبک زندگی رایج، به دنبال تجربه‌ای متفاوت از زندگی رفتند. ایران نیز در دهه ۱۳۵۰ یکی از ایستگاه‌های مسیر مشهور "هیپی تریل" بود؛ مسیری که بسیاری از جوانان غربی را به سوی شرق می‌کشاند.بیش از نیم قرن بعد، دیگر خبری از آن جاده‌ها نیست، اما شکل تازه‌ای از فاصله گرفتن نسل جوان از الگوهای سنتی خانواده، مدرسه و جامعه در حال شکل‌گیری است؛ این بار نه در خیابان و جاده، بلکه در صفحه تلفن همراه، شبکه‌های اجتماعی و سامانه‌هایی که هر لحظه رفتار کاربران را تحلیل می‌کنند."

متن کامل این گفت‌وگو در ادامه آمده است:برخی معتقدند همان‌گونه که هیپی‌ها در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ نماد یک ضدفرهنگ بودند، امروز نیز بخشی از نوجوانان تحت تأثیر شبکه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی در حال شکل دادن به نوعی "ضدفرهنگ دیجیتال" هستند. آیا این مقایسه درست است؟

این مقایسه اگر با دقت انجام شود، می‌تواند به فهم بهتر تحولات نسل جدید کمک کند، اما نباید به ساده‌سازی واقعیت بینجامد. هیپی‌ها جنبشی اجتماعی بودند که آگاهانه در برابر نظم مسلط، جنگ، مصرف‌گرایی و اقتدارگرایی ایستادند. آنان خیابان را برای اعتراض انتخاب کردند، سفر را شیوه زیستن دانستند و هویت خود را در مخالفت آشکار با ارزش‌های رایج تعریف کردند. اما نوجوان امروز در جهانی کاملاً متفاوت زندگی می‌کند. او کمتر در خیابان اعتراض می‌کند و بیشتر در فضای دیجیتال زندگی می‌کند. میدان اصلی شکل‌گیری هویت او، نه دانشگاه و محله، بلکه صفحه تلفن همراه، شبکه‌های اجتماعی و سامانه‌های هوشمندی است که هر لحظه در حال تحلیل رفتار، پیش‌بینی علایق و هدایت انتخاب‌های او هستند. به همین دلیل، من ترجیح می‌دهم به جای تعبیر "هیپی دیجیتال"، از مفهوم "فرزندان الگوریتم" استفاده کنم.

این "فرزندان الگوریتم" چه کسانی هستند؟

فرزندان الگوریتم، نسلی هستند که بخش مهمی از هویت، روابط اجتماعی، الگوهای مصرف، سلیقه فرهنگی، آرزوها و حتی تصویرشان از خود، در تعامل مستمر با الگوریتم‌ها شکل می‌گیرد. این نسل الزاماً علیه جامعه شورش نمی‌کند؛ اما ممکن است آرام‌آرام از الگوهای سنتی خانواده، مدرسه و نهادهای اجتماعی فاصله بگیرد، زیرا مرجع اصلی او دیگر صرفاً والدین و معلمان نیستند، بلکه پلتفرم‌هایی هستند که بر اساس اقتصاد توجه طراحی شده‌اند.

جای نگرانی وجود ندارد؟

چرا، نکته نگران‌کننده در "نامرئی بودن" این اثرگذاری است؛ برخلاف هیپی‌ها، بسیاری از نوجوانان حتی از میزان تأثیر این سازوکارها بر ذهن و انتخاب‌های خود آگاه نیستند. الگوریتم‌ها نه با اجبار، بلکه با جذابیت، شخصی‌سازی و تکرار، بر ذهن انسان اثر می‌گذارند.

الگوریتم‌ها؛ معماران نامرئی تجربه نوجوانان

این نسل چه تفاوتی با نسل‌های پیشین دارد و چرا باید آن را جدی گرفت؟

نسل‌های گذشته جهان را عمدتاً از دریچه خانواده، مدرسه، کتاب، تجربه‌های اجتماعی و رسانه‌های محدود می‌شناختند. اما نسل امروز از نخستین سال‌های زندگی در محیطی رشد می‌کند که اطلاعات، سرگرمی، روابط اجتماعی و حتی احساس ارزشمندی او، به‌طور مداوم توسط سامانه‌های هوشمند سامان‌دهی می‌شود.امروز دیگر الگوریتم‌ها صرفاً پیشنهاددهنده محتوا نیستند؛ آن‌ها در حال تبدیل شدن به معمارانِ نامرئی تجربه انسانی هستند. آن‌ها تصمیم می‌گیرند نوجوان چه چیزی را بیشتر ببیند، چه کسی برای او الگو شود، از چه موضوعی خشمگین یا خوشحال شود و حتی چه برداشتی از موفقیت، زیبایی، بدن، ثروت یا روابط انسانی پیدا کند."

این موضوع به مثابه کمرنگ شدن نقش خانواده است؟

این اتفاق به معنای پایان نقش خانواده نیست، اما "انحصار خانواده در فرایند جامعه‌پذیری" را از بین برده است؛ اگر خانواده و مدرسه زبان این نسل را نشناسند، شکاف میان نسل‌ها هر روز عمیق‌تر خواهد شد.

مسئله فقط "آسیب فضای مجازی" نیست

مهم‌ترین تهدید شکل‌گیری این نسل چیست؟ آیا باید صرفاً نگران آسیب‌های فضای مجازی باشیم؟

اگر مسئله را فقط به "آسیب‌های فضای مجازی" محدود کنیم، عمق تحول را درک نکرده‌ایم. فضای دیجیتال صرفاً یک ابزار بیرونی نیست که کودک از آن استفاده کند؛ این فضا به بخشی از محیط رشد او تبدیل شده است. سؤال اصلی دیگر فقط این نیست که کودک چه محتوایی می‌بیند، بلکه باید پرسید: "چه کسی و با چه هدفی در حال طراحی تجربه ذهنی اوست؟"

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در این مسائل، هویت نوجوان است؛ شکل‌گیری این هویت چگونه ممکن است در معرض آسیب قرار بگیرد؟

دوران نوجوانی، دوره‌ای است که فرد تلاش می‌کند پاسخ دهد "من چه کسی هستم؟" اما وقتی بخش زیادی از این فرآیند در محیطی رخ می‌دهد که دائماً مقایسه، نمایش، تأیید اجتماعی و دیده‌شدن را تقویت می‌کند، خطر آن وجود دارد که نوجوان به جای شناخت خود، به دنبال ساختن تصویری قابل قبول برای دیگران باشد.شبکه‌های اجتماعی می‌توانند احساس تعلق ایجاد کنند، اما به گفته او هم‌زمان ممکن است نوجوان را وارد "چرخه مقایسه دائمی، اضطراب، احساس ناکافی بودن و وابستگی به تأیید دیگران" کنند.آیا قوانین و مفاهیم فعلی حقوق کودک پاسخگوی این شرایط هستند؟ یا اینکه حقوق کودک باید برای عصر هوش مصنوعی بازتعریف شود؟

کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ تصویب شد؛ زمانی که شبکه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی به شکل امروزی وجود نداشتند. با این حال، اصولی مانند کرامت کودک، حق رشد، آموزش، مشارکت، حمایت در برابر آسیب و عدم تبعیض همچنان معتبرند. امروز باید این اصول را در فضای دیجیتال تفسیر کنیم.

چطور؟

در گذشته وقتی از حریم خصوصی کودک صحبت می‌کردیم، بیشتر درباره نامه شخصی یا اطلاعات خانوادگی سخن می‌گفتیم. اما امروز داده‌های کودک نیز بخشی از هویت اوست؛ تصویر، صدا، علایق، رفتارهای آنلاین و حتی الگوهای احساسی او می‌تواند ذخیره، تحلیل و استفاده شود. مفهوم دیگری هم هست تحت عنوان "حق کودک بر استقلال شناختی"؛ یعنی کودک باید فرصت داشته باشد افکار، علایق و تصمیم‌های خود را آزادانه شکل دهد، نه اینکه به‌صورت نامرئی تحت تأثیر الگوریتم‌هایی قرار گیرد که برای افزایش زمان حضور، مصرف یا سود اقتصادی طراحی شده‌اند. بسیاری از والدین یا کاملاً تسلیم فضای مجازی می‌شوند یا به سمت ممنوعیت کامل می‌روند. راه درست چیست؟

بزرگ‌ترین اشتباه خانواده‌ها این است که مسئله را به یک انتخاب دوگانه تبدیل کنند؛ یا آزادی کامل یا ممنوعیت کامل. هیچ‌کدام پایدار نیست. کودکی که در جهان دیجیتال متولد شده، نمی‌تواند و نباید به‌طور کامل از فناوری جدا شود، اما رها کردن او نیز خطرناک است.

نقش والدین باید از "کنترل‌گر" به "همراه و راهنما" تغییر کند. والدین باید به جای اینکه دائماً بپرسند "چقدر در گوشی بودی؟"، بپرسند: "چه چیزی دیدی؟ چه احساسی پیدا کردی؟ آیا چیزی تو را ناراحت یا نگران کرد؟" گفت‌وگو مهم‌تر از نظارت است.

وظیفه نهادهای آموزشی در این میان چیست؟

آینده کودکان را نمی‌توان با ابزارهای گذشته مدیریت کرد. ما با نسلی روبه‌رو هستیم که جهان او با جهان نسل‌های قبل تفاوت بنیادین دارد. مدارس باید از آموزش صرفاً حافظه‌محور فاصله بگیرند و مهارت‌هایی مانند سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی، اخلاق دیجیتال، شناخت الگوریتم‌ها و مدیریت سلامت روان در فضای آنلاین را آموزش دهند. خانواده‌ها نیز نیازمند آموزش‌اند و قانون‌گذار باید از حفاظت داده‌های کودکان تا مسئولیت پلتفرم‌ها، چارچوب‌های روشن‌تری ایجاد کند. و در پایان؛ آیا هوش مصنوعی بزرگ‌ترین تهدید برای آینده است؟

بزرگ‌ترین تهدید آینده، هوش مصنوعی نیست؛ بزرگ‌ترین تهدید، جامعه‌ای است که بدون آمادگی وارد عصر هوش مصنوعی شود. شاید تفاوت هیپی‌های دیروز و فرزندان الگوریتم امروز نیز همین باشد: هیپی‌ها جهان دیگری را جست‌وجو می‌کردند؛ اما نسل امروز، جهان‌های بی‌شماری را در صفحه‌ای کوچک با خود حمل می‌کند. مسئولیت ما این است که کمک کنیم این جهان‌ها، به جای از بین بردن کودکی، به رشد انسانی‌تر آن کمک کنند.

گزارش

سهم ۵۰ درصدی جیب مردم از هزینه های درمان/چرا درمان برای بیماران گران شد؟

مدیریت نظام سلامت به نحوی پیش رفته که دیگر بیمه‌شده بودن به معنای دسترسی به خدمات درمانی با هزینه پایین نیست. تا همین چند سال پیش، چالش اصلی یک بیماری برای بسیاری از خانواده‌ها بیشتر در زمینه پیدا کردن پزشک، تشخیص درست و آغاز درمان بود؛ امروز اما یک سؤال دیگر هم پیش از شروع درمان برای خانواده‌ها مطرح می‌شود: هزینه درمان چقدر خواهد شد؟

وقتی بیمه داشتن به معنای کاهش هزینه‌های درمانی نیست

یک نسخه ساده، چند آزمایش، یک تصویربرداری یا چند جلسه درمان می‌تواند معادلات مالی یک خانواده را تغییر دهد؛ به‌خصوص زمانی که بیمه بخشی از خدمات را پوشش ندهد یا مرکز درمانی طرف قرارداد بیمه پایه نباشد. در چنین شرایطی، حتی داشتن بیمه نیز همیشه به معنای مصون ماندن از هزینه‌های سنگین درمان نیست.

مردم حدود نیمی از هزینه‌های سلامت را از جیب می‌پردازند

به گزارش تسنیم، در حالی که کاهش سهم پرداخت از جیب مردم در هزینه‌های سلامت به ۳۰ درصد یکی از اهداف تعیین‌شده در برنامه هفتم توسعه است، آخرین داده‌های بانک جهانی سهم پرداخت مستقیم مردم از هزینه‌های سلامت در ایران را بین ۳۵ تا ۴۹ درصد نشان می‌دهد؛ به عبارت دیگر مردم حدود نیمی از هزینه‌های سلامت را از جیب خود پرداخت می‌کنند، فاصله‌ای بیش از ۱۳ درصدی با هدفی که قرار بود طی سال‌های اجرای برنامه، بار هزینه‌های درمان را از دوش خانوارها کاهش دهد.

البته باید توجه داشت که آمار بانک جهانی مربوط به سال ۲۰۲۳ است و نمی‌توان آن را به‌عنوان رقم قطعی پرداخت از جیب در سال ۱۴۰۵ تلقی کرد چرا که سالانه بر تعرفه‌های خدمات تشخیصی و درمانی کشور افزوده می‌شود و درصد پوشش بیمه‌ای نیز ثابت می‌ماند؛ با این حال، همین آخرین داده قابل مقایسه بین‌المللی نشان می‌دهد ایران همچنان با سطح مطلوب تعیین‌شده در برنامه و همچنین میزان پرداخت از جیب مردم در بسیاری از کشورهای دیگر، فاصله قابل توجهی دارد.

پرداخت از جیب بالا به این معناست که بخش قابل توجهی از هزینه دریافت خدمات سلامت مستقیماً توسط خانوار پرداخت می‌شود؛ موضوعی که می‌تواند در صورت وقوع بیماری‌های پرهزینه یا مزمن، فشار اقتصادی قابل توجهی بر خانواده‌ها وارد کند.

بدهی ۱۸۴ همتی بیمه‌ها به حوزه سلامت و آغاز زنجیره افزایش پرداختی مردم

اکنون نظام بیمه‌ای کشور با چالش جدی در تأمین منابع و پرداخت مطالبات مراکز درمانی مواجه است؛ به‌طوری که بنا به گفته وزیر بهداشت، بدهی سازمان تأمین اجتماعی و بیمه سلامت به نظام سلامت از ۱۸۴ هزار میلیارد تومان فراتر رفته و این دو سازمان بیمه‌گر در بخش‌هایی از تعهدات خود با بیش از پنج ماه و حتی تا یکسال تأخیر در پرداخت مطالبات مواجه هستند. تداوم این وضعیت نه تنها مراکز درمانی دولتی را با بحران نقدینگی روبه‌رو کرده، بلکه انگیزه همکاری با بیمه‌های پایه را نیز کاهش داده و در نهایت بخشی از هزینه درمان را مستقیماً به بیمار منتقل کرده است.

برای یک مرکز درمانی، چند ماه تأخیر در دریافت مطالبات صرفاً یک عدد در حسابداری نیست. هزینه‌های مرکز درمانی روزانه پرداخت می‌شود؛ حقوق کارکنان، خرید دارو و تجهیزات ، هزینه‌های انرژی، نگهداری، تعمیرات و سایر هزینه‌های جاری متوقف نمی‌شوند بنابراین زمانی که منابع بیمه‌ای با تأخیر چندماهه به دست مرکز درمانی می‌رسد، فشار نقدینگی بر ارائه‌دهنده خدمت افزایش پیدا می‌کند. این مسئله در بخش خصوصی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ چراکه مراکز درمانی برای ادامه فعالیت به جریان نقدی مستمر نیاز دارند و نمی‌توانند بخش قابل توجهی از هزینه‌های جاری خود را برای چند ماه از محل منابع دیگر تأمین کنند. در چنین شرایطی، همکاری با بیمه پایه ممکن است برای برخی مراکز خصوصی از نظر اقتصادی جذابیت خود را از دست بدهد.

نتیجه این وضعیت را می‌توان در رفتار برخی مراکز خصوصی مشاهده کرد؛ در بسیاری از کلانشهرها از جمله تهران، تعداد قابل توجهی از مطب‌ها و مراکز درمانی خصوصی قرارداد مستقیمی با بیمه‌های پایه ندارند؛ در چنین شرایطی، بیمار علی‌رغم داشتن بیمه پایه، هنگام مراجعه به پزشک یا مرکز درمانی موردنظر خود ناچار به پرداخت آزاد هزینه می‌شود.

نتیجه این اتفاق باعث شده که داشتن پوشش بیمه‌ای با دسترسی به خدمت بیمه‌ای یکسان نباشد. به عبارت دیگر ممکن است فردی تحت پوشش بیمه پایه باشد، اما در نقطه‌ای که نیاز به دریافت خدمت دارد، مرکز درمانی طرف قرارداد بیمه نباشد. از همین جا یکی از مسیرهای افزایش پرداخت از جیب شکل می‌گیرد.

اگر مرکز خصوصی بیمه پایه را نپذیرد، بیمار عملاً با دو انتخاب روبه‌رو می‌شود، یا مرکز دیگری را انتخاب کند که طرف قرارداد بیمه باشد، یا همان خدمت را به‌صورت آزاد دریافت کند. در بسیاری از موارد نیز بیمار به دلیل تخصص پزشک، موقعیت جغرافیایی، کمبود مراکز یا ضرورت دریافت سریع خدمت، امکان انتخاب واقعی میان این گزینه‌ها را ندارد. در چنین وضعیتی، پرداخت آزاد دیگر یک انتخاب نیست؛ بلکه به اجبار اقتصادی بیمار تبدیل می‌شود.

چالش افزایش سالانه تعرفه‌ها و ثابت ماندن سهم بیمه‌ها

عامل دیگری که در بالا ماندن پرداخت از جیب مردم نقش دارد، افزایش هزینه خدمات سلامت

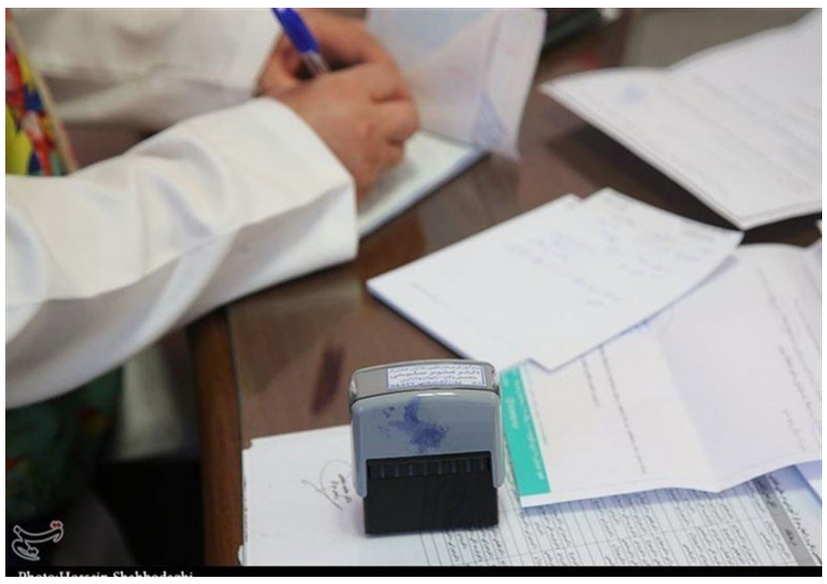

در شرایطی است که درصد پوشش بیمه‌های پایه ثابت مانده است.

اگرچه بیمه‌های پایه اعلام می‌کنند که در بسیاری از خدمات تشخیصی و درمانی همچنان ۹۰ درصد هزینه خدمات بستری و ۷۰ درصد هزینه خدمات سرپایی را پوشش می‌دهند، اما ثابت ماندن این درصدها به معنای ثابت ماندن مبلغ پرداختی مردم نیست.

در سال جاری، تعرفه خدمات تشخیصی و درمانی به‌طور متوسط ۳۵ تا ۴۰ درصد افزایش یافته است بنابراین حتی اگر بیمه همان سهم قبلی خود را از هزینه خدمات پرداخت کند، مبلغی که بیمار از جیب می‌پردازد افزایش پیدا می‌کند.

به بیان ساده‌تر، درصد پوشش بیمه‌ای ثابت مانده، اما به دلیل افزایش تعرفه‌ها، قدر مطلق سهم پرداختی مردم بیشتر شده است. از این رو، برای بررسی میزان پرداخت از جیب خانوارها، تنها توجه به درصد پوشش بیمه‌ای کافی نیست و باید افزایش هزینه واقعی خدمات سلامت و مبلغ نهایی پرداختی بیمار و عمق پوشش بیمه‌ای خدمات نیز مورد توجه قرار گیرد. موضوعی که سالانه در افزایش میزان تعرفه‌های پزشکی و تشخیصی، از در تصمیم‌گیری‌های سیاستگذاران حوزه سلامت مغفول می‌ماند!

منابع محدود و هزینه‌های بدون مدیریت در بیمه‌ها

در عین حال که موضوع کمبود بودجه همواره به عنوان یکی از چالش‌های نظام بیمه‌ای مطرح می‌شود اما واقعیت این است که مسئله نظام بیمه‌ای کشور اکنون فقط کمبود منابع نیست؛ بخشی از مشکل به نحوه هزینه کرد همین منابع محدود بازمی‌گردد. زمانی که خدمات بدون توجه کافی به ضرورت پزشکی ارائه می‌شوند، راهنماهای بالینی به‌طور کامل رعایت نمی‌شوند یا پرداخت‌ها صرفاً بر مبنای حجم خدمات انجام می‌گیرد، منابع بیمه‌ای به سمت هزینه‌هایی می‌رود که لزوماً بیشترین اثربخشی را برای بیمار و نظام سلامت ندارند.

مهدی ناصحی، مدیرعامل سازمان بیمه سلامت درباره سهم بالای هزینه‌های غیرضروری اذعان کرده است: "حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد هزینه‌ها، هزینه‌های غیرضروری است و اغلب این هزینه‌های غیرضروری مربوط به بخش‌های بستری که راهنماهای بالینی چندان در آن رعایت نمی‌شود و بخش‌های پاراکلینیک است." این اظهارات یک سؤال مهم‌تر را پیش روی نظام بیمه‌ای قرار می‌دهد: وقتی منابع بیمه‌ها محدود است، چرا همچنان بخش قابل توجهی از این منابع صرف هزینه‌هایی می‌شود که می‌توان از آن‌ها جلوگیری کرد؟

در چنین شرایطی، سازمان‌های بیمه‌گر نمی‌توانند صرفاً نقش یک پرداخت‌کننده منفعل را ایفا کنند؛ بلکه باید مشخص کنند منابع محدود چگونه و برای چه خدماتی هزینه می‌شود و چه میزان از این هزینه‌ها واقعاً به ارتقای سلامت مردم منجر می‌شود.

حرکت از "پرداخت هزینه" به سمت "خرید راهبردی خدمات سلامت" می‌تواند یکی از مسیرهای اصلاح باشد. در این رویکرد، بیمه‌گر به جای آن که صرفاً صورت‌حساب خدمات ارائه‌شده را پرداخت کند، باید بر ضرورت، کیفیت و اثربخشی خدمات نیز نظارت داشته باشد و منابع را به سمت خدمات مؤثرتر هدایت کند.

در واقع، نظام بیمه‌ای همزمان با مطالبه منابع بیشتر، باید درباره نحوه مدیریت منابع فعلی نیز پاسخگو باشد؛ چراکه افزایش منابع بدون اصلاح سازوکار خرید و پرداخت، الزاماً به معنای افزایش حمایت از بیمار نخواهد بود.

افزایش قیمت دو سوم داروها، هزینه‌ای که مستقیماً از جیب مردم می‌رود

در کنار مشکلات بیمه‌ای، افزایش قیمت دارو نیز یکی از عوامل مهم فشار هزینه‌ای بر خانوارها در حوزه سلامت در سال جاری بوده است. مهدی پیرصالحی، رئیس سازمان غذا و دارو، اخیراً اعلام کرده است که دست‌کم دو سوم داروها در سال جاری مشمول افزایش و اصلاح قیمت شده‌اند.

این افزایش قیمت در پی افزایش هزینه مواد اولیه، مواد جانبی، حمل ونقل دارو در پی تحریم و جنگ و سایر نهاده‌های تولید دارو رخ داده است. اما یکی از دلایل افزایش هزینه مواد اولیه، تأثیر تغییر سیاست ارزی در حوزه دارو است که رد پای آن در ماجرای افزایش قیمت دارو پررنگ‌تر دیده می‌شود. احمدی، عضو هیئت‌مدیره انجمن داروسازان ایران، اخیراً در یک نشست خبری اعلام کرد که ارز ترجیحی از سه گروه دارویی شامل داروهای بدون نسخه یاOTC که شامل ۴۰۰ قلم دارو است، داروهای تحت لیسانس داخلی و همچنین اقلام دارویی پرمصرف که به صورت مزمن استفاده می‌شوند، حذف شده است.

به گفته وی، حذف ارز ترجیحی از حوزه مواد اولیه این داروها باعث شده قیمت مواد اولیه بیش از پنج برابر شود.

فارغ از موضوع درست یا نادرست بودن تغییر سیاست ارزی، مسئله مهم از منظر بیماران این است که هرگونه افزایش هزینه در زنجیره تولید دارو باید با سازوکار جبران بیمه‌ای همراه باشد. در غیر این صورت، افزایش هزینه تولید به افزایش قیمت دارو و در مرحله بعد به افزایش پرداخت از جیب بیمار منجر خواهد شد.

احمدی، عضو هیئت مدیره انجمن داروسازان ایران در عین حال با اشاره به عدم همراهی بیمه‌ها با پوشش افزایش قیمت داروها می‌گوید: "در تامین اجتماعی بیش از ۲۲۰۰ کد دارویی داریم که تنها ۱۴۶۵ قلم دارو با قیمت واقعی تطابق دارد و ۷۳۵ قلم دارو با قیمت واقعی تطابق ندارد و پوشش کافی ندارد و سازمان‌های بیمه‌گر باید پاسخگو باشند که قیمت دارو چرا باید برای مردم افزایش یابد. یک مسئله این است که وقتی قیمت افزایش می‌یابد برخی بیمه‌ها مدتی طول می‌کشد که این افزایش قیمت را در سامانه‌ها اعمال کنند و ارگان‌های نظارتی باید ورود پیدا کنند که در این فاصله چرا مردم باید قیمت افزایش یافته را از جیب پرداخت کنند."

پوشش بیمه‌ای فقط روی کاغذ، وقتی بیمه برای بیمار امنیت مالی نمی آورد

باید به این نکته توجه داشت که مسئله پرداخت از جیب مردم را نمی‌توان با اعلام درصد پوشش بیمه‌ای حل شده تلقی کرد. وقتی بیمه روی کاغذ ۷۰ درصد هزینه خدمات سرپایی را می‌پردازد، اما بیمار در عمل ناچار است بخش قابل توجهی از هزینه را خودش تأمین کند، باید پرسید این "پوشش بیمه‌ای" تا چه اندازه در زندگی واقعی مردم معنا دارد؟

واقعیت این است که هزینه درمان از چند مسیر همزمان در حال افزایش است؛ تعرفه خدمات بالا می‌رود، قیمت دارو افزایش پیدا می‌کند، برخی خدمات خارج از تعهد بیمه هستند و تأخیر بیمه‌ها در پرداخت مطالبات، بخشی از مراکز خصوصی را از قرارداد با بیمه‌های پایه دور می‌کند. حاصل جمع این عوامل، چیزی نیست جز انتقال تدریجی ریسک مالی بیماری از نظام بیمه‌ای به خانوار.

در چنین شرایطی، داشتن بیمه به تنهایی نمی‌تواند نشانه امنیت مالی در برابر بیماری باشد. بیمه زمانی معنا دارد که بیمار بتواند در لحظه نیاز، خدمت موردنیاز خود را با هزینه‌ای متناسب با توان اقتصادی‌اش دریافت کند؛ نه اینکه روی کاغذ بیمه شده باشد اما برای یافتن مرکز طرف قرارداد، پزشک مناسب یا داروی تحت پوشش با محدودیت مواجه شود.

از این منظر، رسیدن به هدف ۳۰ درصدی برنامه هفتم نیازمند تغییر یک نگاه اساسی است: سیاستگذاران به ویژه اعضای شورایعالی بیمه سلامت که نرخ تعرفه خدمات پزشکی را افزایش می‌دهند و نمایندگان مجلس شورای اسلامی که همه ساله بودجه موردنیاز حوزه سلامت را تعیین می‌کنند؛ نباید صرفاً بسنجد "بیمه چند درصد هزینه را پوشش می‌دهد"، بلکه باید بپرسند "در نهایت چند درصد از هزینه واقعی درمان بر دوش بیمار باقی می‌ماند؟"

کاهش پرداخت از جیب مردم تنها با شعار "لزوم افزایش پوشش بیمه‌ای" محقق نمی‌شود؛ بلکه نیازمند بازتعریف عمق و کیفیت پوشش بیمه‌ای، پرداخت به‌موقع مطالبات مراکز درمانی، هماهنگ‌سازی پوشش بیمه‌ها با افزایش تعرفه و قیمت دارو و تضمین دسترسی واقعی بیمه‌شدگان به مراکز طرف قرارداد است. در غیر این صورت، فشار هزینه‌ای در نهایت به بیمارانی منتقل می‌شود که کمترین قدرت چانه‌زنی را دارند؛ وضعیتی که امروزه به وضوح در حوزه سلامت مشاهده می‌کنیم و هیچ گامی برای اصلاح آن برداشته نمی‌شود.

خبر

اقتصاد ایران در سایه تورم ۹۰ درصدی؛ چرا باید نگران باشیم؟

مرکز آمار ایران می‌گوید هزینه خانوار ایرانی برای دسترسی به کالا و خدمات در مرداد سال جاری حدود ۹۰ درصد بیشتر از مرداد سال قبل بوده است تورم ۹۰ درصدی با کنار هم گذاشتن تحلیل کارشناسان اقتصادی معنا و مفهوم بیشتری پیدا می‌کند.

مرکز آمار ایران نرخ تورم عمومی را برای سومین ماه متوالی در محدوده ۹۰ درصد اعلام کرد. مشاور اقتصادی دولت حسن روحانی اوضاع این روزها را شبیه ایستگاه قبل از ابرتورم می‌داند. وزیر اقتصاد ابراهیم رئیسی در دولت سیزدهم نیز اعتقاد دارد شرایط اقتصادی کشور به معنی تحریم‌پلاس یعنی چیزی فراتر از تحریم‌های دهه‌های گذشته و اضافه شدن محاصره دریایی است و می‌تواند تبعات زیادی داشته باشد. افزایش نرخ تورم گاهی با کاهش نرخ بیکاری و افزایش تقاضا برای مشاغل همزمان می‌شود اما داده‌های مرکز آمار ایران از رشد نرخ بیکاری در حدفاصل بهار ۱۴۰۴ تا بهار ۱۴۰۵ حکایت دارد.

نرخ تورم در محدوده ۹۰ درصد

به گزارش فرارو؛ گزارش مرکز آمار ایران با عنوان شاخص قیمت مصرف‌کننده که به زبان ساده سراغ نرخ تورم می‌رود، نشان می‌دهد برای سومین ماه متوالی با تورم تقریبا ۹۰ درصدی سروکار داشتیم. داده‌های رسمی حاکی از آن است که نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه در خرداد ۱۴۰۵ برابر با ۸۸٫۶ درصد و در تیر ۱۴۰۵ معادل ۸۷٫۹ درصد به ثبت رسیده بود و نهایتا مرداد ۱۴۰۵ را با تورم ۸۹ درصدی پشت‌سر گذاشتیم.

وقتی کارنامه اقتصادی سال‌ها و دهه‌های گذشته را ورق می‌زنیم، متوجه می‌شویم تورم مرداد ۱۴۰۵ بالاترین نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه در دهه‌های اخیر بوده است. بایگانی آماری بانک مرکزی و مرکز آمار گواهی می‌دهد که چنین رکوردی از دوران پس از جنگ جهانی دوم و سال‌های دهه ۲۰ تاکنون در اقتصاد ایران سابقه نداشته است.

ابرتورم در کمین است؟

نرخ تورم از اواسط ۱۴۰۴ نسبت به اعداد و ارقام سال‌ها و دهه‌های گذشته فاصله گرفت. در آن سال‌ها مدام درباره تورم دو رقمی و تبعات تورم دورقمی صحبت می‌شد اما اگر در ماه‌های گذشته لابه‌لای تحلیل کارشناسان اقتصادی کلیدواژه ابرتورم شنیده می‌شود. مسعود نیلی مشاور اقتصادی دولت یازدهم اعتقاد دارد اقتصاد ایران پس از سال‌ها تجربه تورم مزمن حالا در ایستگاه پیش از ابرتورم یا همان مرحله تورم بسیار بالا قرار گرفته است.

مسعود نیلی می‌گوید شرایط فعلی کشور از نظر شاخص‌های پولی، افت درآمدهای واقعی و تضعیف سرمایه‌گذاری شباهت نزدیکی با وضعیت اقتصاد ونزوئلا در سال ۲۰۱۵ پیدا کرده است. ونزوئلا در آن دوره ابتدا نرخ‌های تورمی بالاتر از ۸۰ درصد را ثبت کرد و پس از افزایش شدید کسری بودجه، تشدید چاپ پول و ناتوانی در پوشش تعهدات مالی از سال ۲۰۱۶ رسما وارد دوره ابرتورم شد.

تشدید شرایط تورمی در ایران

تحریم در سال‌های گذشته همیشه یکی از عوامل رشد نرخ تورم معرفی شده است و حالا باید عوامل دیگری را باعث و بانی افزایش سرعت نرخ تورم بدانیم. برای اینکه این بخش را به زبان ساده متوجه شویم، بد نیست صحبت‌های احسان خاندوزی وزیر اقتصاد دولت سیزدهم را مرور کنیم.

احسان خاندوزی درباره وضعیت جاری می‌گوید کشور نسبت به سال‌های گذشته نه تنها با موضوع تحریم روبه‌رو است، بلکه با پدیده‌ای تحت عنوان تحریم‌پلاس نیز مواجه شده و باید با صداقت درباره محاصره دریایی و تبعات محاصره با مردم صحبت شود.

بخشی از صحبت‌های احسان خاندوزی در شبکه خبر به ارائه آمارهای اقتصادی کشیده شد. طبق داده‌های اعلام‌شده از سوی وزیر اقتصاد دولت سیزدهم آثار محاصره دریایی ایران بر روند بارگیری و صادرات نفت خام از اردیبهشت ۱۴۰۵ نمایان شده و نسبت به فروردین سال جاری تفاوت پیدا کرده است.

محدود شدن جریان تردد نفتکش‌ها و اختلال در نقل‌وانتقالات مالی دسترسی به درآمدهای ارزی حاصل از نفت را پایین آورده است.

تورم کجا بیشتر احساس می‌شود؟

معمولا بیشترین فشار ناشی از افزایش قیمت‌ها در بخش مایحتاج روزمره و اقلام مصرفی سبد خانوار احساس می‌شود. داده‌های رسمی نشان می‌دهند میانگین تورم اقلام خوراکی در ایران از مرز ۱۰۰ درصد عبور کرده و به رقم ۱۲۷ درصد رسیده است.

بررسی جزئیات سبد مواد غذایی حاکی از آن است که کالاهای اساسی با جهش‌های شدیدی روبه‌رو بوده‌اند. مثلا روغن با ثبت تورم ۳۴۰ درصدی بیشترین افزایش قیمت را بین اقلام اساسی تجربه کرده است. میزان افزایش قیمت برنج خارجی در یک سال گذشته ۲۰۱ درصد بوده و این عدد برای مرغ به ۱۷۶ درصد رسیده است.

تاثیر تورم در بیکاری

رابطه میان تورم و اشتغال همیشه مستقیم نیست. گاهی در کوتاه‌مدت افزایش سطح عمومی قیمت‌ها لزوما باعث رشد بیکاری نمی‌شود حتی ممکن است به واسطه افزایش مقطعی تقاضا به کاهش موقت بیکاری منجر شود. با این حال در بلندمدت یا در وضعیتی که اسم آن را با رکود تورمی می‌شناسیم، تداوم نااطمینانی اقتصادی، جهش هزینه‌های تولید و تامین مواد اولیه باعث افت سرمایه‌گذاری و افزایش نرخ بیکاری می‌شود.برای اینکه از این اصطلاحات سنگین اقتصادی فاصله بگیریم، لازم است به آمارهای رسمی برگردیم. مرکز آمار ایران می‌گوید نرخ بیکاری در کشور در بهار ۱۴۰۵ به ۹٫۱ درصد رسیده است. این شاخص در بهار ۱۴۰۴ کمتر بوده و حدود ۷٫۳ درصد برآورد شده است. مقایسه داده‌های آماری نشان می‌دهد نرخ بیکاری طی یک سال ۱٫۸ واحد درصد رشد داشته است.

پیش‌بینی بازار مسکن تا پاییز؛ رکود ادامه دارد، اما خبری از ارزانی نیست

در حالی بازار مسکن شهریورماه در آرامش نسبی به سر می‌برد، افزایش هزینه ساخت، تورم و سیاست‌های دستوری همچنان فشار صعودی بر قیمت‌ها وارد می‌کند.

بازار مسکن در شهریورماه در شرایطی به روزهای پایانی فصل جابه‌جایی رسیده که معادلات خرید و فروش برای بسیاری از متقاضیان همچنان پیچیده است. نه خبری از رونق پرقدرت معاملات دیده می‌شود و نه می‌توان از توقف کامل خرید و فروش صحبت کرد.

در این میان، فاصله میان توان مالی خانوارها و قیمت واحدهای مسکونی همچنان یکی از مهم‌ترین موانع ورود تقاضای مصرفی به بازار است؛ موضوعی که در کنار رشد هزینه‌های ساخت، چشم‌انداز قیمت‌ها را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

از سوی دیگر، بازار اجاره نیز پس از ماه‌های پرتلاطم جابه‌جایی، با چالش‌های خاص خود مواجه است. سیاست‌های تنظیم‌گر، هزینه‌های رو به رشد خانوارها و اختلاف میان انتظارات موجران و مستأجران، شرایطی ایجاد کرده که پیش‌بینی مسیر بازار در ماه‌های آینده را دشوارتر می‌کند.

در چنین فضایی، بررسی آنچه در کف معاملات می‌گذرد، اهمیت بیشتری پیدا کرده است؛ اینکه خریداران واقعاً چه می‌خواهند، فروشندگان تا کجا حاضر به تخفیف هستند و افزایش هزینه‌های ساخت چه زمانی خود را در قیمت واحدهای جدید نشان خواهد داد.

در همین رابطه؛ سمانه محرمی نمین، نایب‌رئیس مشاوران املاک، در گفت‌وگو با خبرآنلاین درباره آخرین وضعیت بازار مسکن در شهریورماه، با تأکید بر اینکه اطلاعات موجود در بازار در حال حاضر بیشتر ماهیت میدانی دارد تا آماری، گفت: متأسفانه مشاوران املاک و اتحادیه املاک که به نوعی آینه راست‌نمای معاملات بودند، از گردونه اطلاعات بازار کنار گذاشته شده‌اند. با راه‌اندازی سامانه کاتب و سامانه‌های جدید، اطلاعات معاملات از اختیار اتحادیه املاک خارج شده و مدیریت آن دیگر در اختیار اتحادیه نیست. همین موضوع باعث شده دسترسی مشاوران املاک و اعضای هیأت‌مدیره اتحادیه به اطلاعات دقیق معاملات از بین برود.

او توضیح داد که اگر امروز یک مشاور املاک درباره ارزان یا گران شدن بازار، افزایش یا کاهش تعداد معاملات و میزان رونق بازار صحبت می‌کند، این اظهارنظرها عمدتاً بر پایه اطلاعات میدانی است و نباید آنها را با آمار رسمی و دقیق معاملات یکی دانست.

در ادامه تأکید کرد: در گذشته با وجود سامانه املاک و مستغلات، امکان ارائه اطلاعات دقیق‌تری درباره تعداد معاملات نسبت به ماه یا سال قبل وجود داشت و می‌شد بر اساس آن درباره افزایش معاملات، رونق یا تغییر قیمت‌ها اظهارنظر کرد.

به گفته او، اتحادیه املاک یک سندیکای مردمی بود و اطلاعات را در اختیار مردم قرار می‌داد، اما اکنون بازار با کمبود اطلاعات شفاف مواجه است. مدت‌هاست اطلاعات آماری منظم و قابل اتکایی از سوی وزارت راه و شهرسازی منتشر نمی‌شود و اگر هم اطلاعاتی منتشر شود، در برخی موارد با واقعیت مشاهده‌شده در کف بازار تفاوت دارد. اطلاعات واقعی بازار باید بر مبنای قیمت معامله‌شده باشد، نه قیمت اسمی آگهی‌هایی که در پلتفرم‌های آنلاین درج می‌شود.

او بیان کرد که مبنای درست برای ارزیابی بازار، معاملات انجام‌شده و کدهای رهگیری صادرشده است. در عین حال، وضعیت فعلی بازار را آرام توصیف کرد، اما گفت که این آرامش به معنای نبود تورم در بازار مسکن نیست و به اعتقاد او، افزایش قیمت در ادامه مسیر اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

این فعال بازار مسکن برای توضیح این پیش‌بینی به مجموعه‌ای از عوامل اشاره کرد؛ از نهاده‌ها و مصالح ساختمانی گرفته تا عوارض ساختمانی و نرخ دستمزد کارگران.

به گفته او، پس از جنگ ۱۲ روزه و موضوع اخراج اتباع، نرخ دستمزدها تحت تأثیر قرار گرفته است. علاوه بر این، نرخ تورم، هزینه حمل‌ونقل و وضعیت بازارهای موازی مانند ارز و مسکوکات نیز بر بازار مسکن اثر می‌گذارند. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت با وجود افزایش این هزینه‌ها، قیمت مسکن برای مدت طولانی کاهش پیدا کند یا بدون تغییر باقی بماند.

این کارشناس بازار مسکن معتقد است بازار در حال حاضر بیشتر با شرایط «رکود تورمی» مواجه است، اما این به معنای توقف مراجعه خریداران نیست. او گفت مراجعه خریداران همچنان وجود دارد و حتی از ابتدای سال تاکنون، رفتار بخش عمده‌ای از متقاضیان خرید مسکن نسبت به واقعیت بازار به‌روز شده است.

به گفته او، خریداران در ابتدای سال با تصورات و انتظاراتی وارد دفاتر مشاوران املاک می‌شدند که با قدرت خرید واقعی آنها و قیمت‌های موجود در بازار همخوانی نداشت. بسیاری تصور می‌کردند با سرمایه‌ای که در اختیار دارند، می‌توانند ملکی با مشخصات موردنظر خود خریداری کنند، اما به مرور زمان و با مشاهده واقعیت بازار، خواسته‌های خود را تعدیل کرده‌اند. امروز عمده خریداران با شرایط فعلی بازار هماهنگ شده‌اند.

او بازار فعلی را برای خریدهای مصرفی و همچنین «تبدیل به احسن» مناسب ارزیابی کرد؛ به‌خصوص برای زوج‌های خانه‌اولی، کسانی که برای نخستین بار قصد خرید خانه دارند و افرادی که از قبل صاحب خانه هستند و اکنون بخشی از سرمایه خرد خود را در قالب طلا یا ارز نگهداری کرده‌اند و با افزایش قیمت این دارایی‌ها، امکان اضافه کردن بخشی از سرمایه خود به ملک و ارتقای خانه‌شان را پیدا کرده‌اند.

او بر ضرورت رفتار منطقی و غیردستوری با بازار تأکید کرد و گفت دستکاری هر بازاری و رفتار دستوری، آن بازار را از مسیر طبیعی خود خارج می‌کند. به گفته او، شاید بتوان با سیاست‌های دستوری جلوی بخشی از رونق بازار را گرفت، اما نمی‌توان با این روش جلوی افزایش قیمت را به صورت پایدار گرفت.

او هشدار داد: «ما از بازار هیجانی فاصله می‌گیریم، اما فنر قیمت ملک را فقط فشرده‌تر می‌کنیم و در زمان رها شدن آن، سهم بزرگ‌تری خواهیم داشت.» به اعتقاد او، اگر اجازه داده می‌شد فشارهای قیمتی به‌تدریج تخلیه شوند، بازار در نهایت می‌توانست مسیر تورمی منطقی‌تری را طی کند.

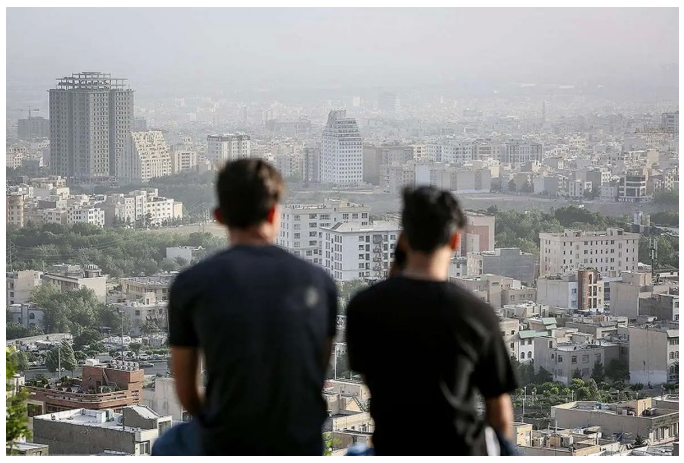

هشدار به زوج‌های جوان؛ سود طلا و ارز نباید خرید خانه را عقب بیندازد

در بخش دیگری از صحبت‌های خود بار دیگر به زوج‌های جوان توصیه کرد خود را درگیر سودهای روزانه بازارهای موازی و آنچه در تلفن همراه خود مشاهده می‌کنند، نکنند.

او گفت زوج‌های جوان در گذشته معمولاً هنگام ازدواج، طلا یا هدایایی را که دریافت می‌کردند، به همراه پس‌انداز و اندوخته خود جمع می‌کردند، وام می‌گرفتند و با تأمین بخشی از ودیعه یا پرداخت هزینه خرید، حتی یک خانه کوچک را به عنوان منزل مصرفی یا سرمایه اولیه خریداری می‌کردند.

به گفته او، امروز اما بسیاری از زوج‌های جوان دائماً در حال مقایسه قیمت طلا، ارز و سایر دارایی‌ها هستند؛ اینکه فلان دارایی چقدر بالا رفته یا پایین آمده است. همین موضوع باعث می‌شود خرید مسکن را عقب بیندازند.

به اعتقاد او، اگر قیمت مسکن نسبت به سال گذشته بررسی شود، ممکن است فردی که در آذر یا دی سال گذشته با سرمایه‌ای کمتر امکان خرید یک خانه ۸۰ متری را داشت، امروز با همان سرمایه فقط بتواند یک واحد ۶۰ متری خریداری کند.

او تأکید کرد عقب‌افتادگی در خرید مسکن برای افراد می‌تواند بسیار چشمگیرتر از سودی باشد که از بازارهای موازی به دست می‌آورند. به اعتقاد او، بازار مسکن به دلیل دور بودن از هیجان، همچنان ظرفیت توسعه برای خریدهای مصرفی، سرمایه‌گذاری و تبدیل به احسن کردن واحدهای مسکونی را دارد.

وام ودیعه؛ تسهیلاتی که الزاماً به ودیعه تبدیل نمی‌شود

این فعال صنفی درباره وام ودیعه مسکن نیز انتقاداتی مطرح کرد و گفت یکی از مشکلات اساسی این تسهیلات آن است که الزاماً به مصرفی که برای آن در نظر گرفته شده، نمی‌رسد.

او توضیح داد مستأجر برای دریافت وام ودیعه باید اجاره‌نامه ارائه کند، اما ممکن است فرآیند دریافت تسهیلات ماه‌ها طول بکشد؛ در حالی که شاید مستأجر تا آن زمان از خانه قبلی خارج شده باشد.

به گفته او، اگر وام ودیعه در فاصله زمانی میان ارائه اجاره‌نامه و جابه‌جایی مستأجر به موجر پرداخت شود و این مبلغ از اجاره یا ودیعه موردنیاز مستأجر کسر شود، هدف اصلی تسهیلات محقق خواهد شد.

او گفت اگر پول مستقیماً در اختیار مستأجر قرار بگیرد، ممکن است صرف اسباب‌کشی، خرید وسایل یا حتی خرید مبل شود و سال بعد، همان فرد دوباره با مشکل تأمین ودیعه مواجه باشد؛ در حالی که هنوز اقساط وام قبلی او تمام نشده است.

وی تأکید کرد تصمیم‌گیری درباره بازار مسکن بدون هماهنگی با «کف بازار» و کارشناسانی که در این حوزه فعالیت می‌کنند، می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد. به اعتقاد او، نمی‌توان همه چیز را از پشت میز مدیریت کرد.

او در همین زمینه پیشنهاد کرد بانک مسکن که متولی تخصصی حوزه مسکن است، نقش فعال‌تری در پرداخت وام ودیعه داشته باشد.حتی توصیه کرد برای بررسی وضعیت واقعی پرداخت وام ودیعه، به صورت رندوم با چند شعبه بانک مسکن در نقاط مختلف تهران تماس گرفته شود و پرسیده شود آیا این شعب تسهیلات قرض‌الحسنه ودیعه مسکن پرداخت می‌کنند یا خیر. او تأکید کرد در صورت انجام این بررسی، نتیجه می‌تواند به شکل مستند مشخص کند که بانک مسکن تا چه اندازه در این حوزه ورود کرده است.

در بخش دیگری از این گفت‌وگو در ادامه درباره وضعیت بازار اجاره در شهریورماه گفت که به اعتقاد او، در واقع بازار اجاره به معنای واقعی شکل نگرفته و بخش قابل توجهی از اتفاقات اخیر، بیشتر به اختلاف میان موجر و مستأجر مربوط بوده است.

او با اشاره به تعیین سقف افزایش ۲۵ درصدی اجاره گفت این تصمیم اگرچه با هدف حمایت از مستأجر گرفته شده، اما در عمل می‌تواند به ضرر هر دو طرف تمام شود.

چرا قیمت مسکن همچنان افزایشی است؟

این فعال بازار مسکن در پاسخ به بحث اثر افزایش نرخ ارز و طلا بر آینده قیمت مسکن، به سهم عوامل داخلی در هزینه ساخت اشاره کرد و گفت بخش عمده مصالح مورد استفاده در ساخت‌وساز از داخل کشور تأمین می‌شود و واردات خاصی، به جز کالاهای لوکس و برخی اقلام مربوط به تزئینات داخلی، وجود ندارد.

به گفته او، واردات از برخی کشورها نیز به اندازه‌ای نیست که بتوان تمام افزایش قیمت مسکن را به آن نسبت داد؛ با این حال، افزایش قیمت سوخت، نرخ دستمزد کارگران و هزینه‌های حمل‌ونقل به طور مستقیم و غیرمستقیم هزینه ساخت را بالا می‌برد.

این کارشناس گفت افزایش نرخ دستمزد، عوارض شهرداری، نرخ نظام مهندسی و مالیات سازندگان، عواملی هستند که حتی بدون وابستگی مستقیم به نرخ دلار می‌توانند هزینه نهایی ساخت مسکن را افزایش دهند.

او تأکید کرد بسیاری از این عوامل داخلی هستند و امکان کنترل آنها وجود دارد. به اعتقاد او، به جای اینکه صرفاً درباره افزایش قیمت ارز یا سایر عوامل خارجی صحبت شود، باید روی عواملی تمرکز کرد که در داخل کشور قابل مدیریت هستند.

پیش‌بینی بازار مسکن تا پاییز

در جمع‌بندی پیش‌بینی خود از بازار مسکن گفت که تورم در این بازار ادامه خواهد داشت، اما در شرایط فعلی بازار از ثبات نسبی برخوردار است.

او ابراز امیدواری کرد بازار مسکن وارد دوره‌ای از «رونق بدون هیجان» شود؛ به این معنا که تعداد معاملات افزایش پیدا کند، اما این افزایش معاملات همراه با جهش هیجانی قیمت‌ها نباشد.

به گفته او، هدف باید این باشد که مردم در یک حاشیه امن و با استفاده از خدمات مشاوران املاک دارای مجوز، معاملات خود را انجام دهند و از بازی‌ها و پاس‌کاری‌های قیمتی در آگهی‌های آنلاین فاصله بگیرند.

قیمت‌سازی در پلتفرم‌ها؛ وقتی آگهی جای کارشناسی را می‌گیرد

او گفت بازار مسکن امروز نسبت به گذشته شفاف‌تر شده است؛ قیمت‌ها در پلتفرم‌ها دیده می‌شوند، مردم از چندین مشاور املاک در یک منطقه سؤال می‌کنند و تعداد مشاوران املاک نیز به اندازه‌ای است که نمی‌توان به راحتی قیمت یک ملک را به شکل غیرواقعی جابه‌جا کرد.

سلیمی نمین با اشاره به نقش مشاوران املاک گفت افزایش قیمت یک ملک برای مشاور املاک الزاماً منفعت قابل‌توجهی ایجاد نمی‌کند، چرا که کمیسیون بر مبنای معامله محاسبه می‌شود و حتی در یک معامله با ارزش ۱۰ میلیارد تومان نیز افزایش جزئی قیمت، درآمد چشمگیری برای مشاور ایجاد نمی‌کند.

او تأکید کرد اولویت مشاور املاک افزایش تعداد معاملات با قیمت‌های واقعی‌تر است، نه بالا بردن قیمت برای یک معامله خاص.او توضیح داد قیمت‌سازی بیشتر از جایی اتفاق می‌افتد که مالک، بدون کارشناسی، برای تعیین قیمت ملک خود به آگهی‌های مشابه در اینترنت نگاه می‌کند.

به گفته او، مالک وارد پلتفرم آگهی می‌شود و به دنبال خانه‌ای مشابه خانه خودش می‌گردد. سپس به تفاوت‌های جزئی توجه می‌کند؛ مثلاً می‌گوید خانه من تمیزتر است، یک جاکفشی بیشتر دارد، در موقعیت بهتری قرار گرفته، طبقه بهتری دارد یا ویژگی دیگری دارد و بر اساس همین تفاوت‌ها قیمت بیشتری برای ملک خود تعیین می‌کند.

او این روند را نوعی «چشم و هم‌چشمی قیمتی» دانست که باعث می‌شود قیمت‌های اسمی آگهی‌ها به مرور افزایش پیدا کنند، بدون اینکه الزاماً معامله‌ای با آن قیمت انجام شده باشد.

او تأکید کرد این قیمت‌ها کارشناسی‌شده نیستند و عمدتاً توسط مالکان و افراد عادی تعیین می‌شوند. با این حال، همین قیمت اسمی می‌تواند روی ذهنیت سایر فروشندگان اثر بگذارد و به تدریج به قیمت‌های پیشنهادی بازار سرایت کند.

او گفت این مسئله زمانی می‌تواند اثر بزرگ‌تری بر بازار یک منطقه بگذارد که یک انبوه‌ساز در یکی از مناطق غربی تهران، تعداد بسیار زیادی واحد ـــ مثلاً ۵۰۰ واحد ـــ را همزمان با قیمت مشخصی آگهی کند. در چنین شرایطی، قیمت آگهی‌ها می‌تواند روی تصور عمومی از قیمت کل منطقه اثر بگذارد.

این کارشناس بازار مسکن معتقد است اگر قیمت‌گذاری فایل‌ها در اختیار مشاوران املاک قرار می‌گرفت و آگهی‌ها توسط آنها رصد و بر اساس کارشناسی قیمت‌گذاری می‌شد، امکان جلوگیری از بخشی از این قیمت‌سازی‌ها وجود داشت.

او در پایان بار دیگر تأکید کرد بازار مسکن در شرایط فعلی بازار هیجانی نیست و می‌توان امیدوار بود افزایش معاملات بدون شکل‌گیری موج هیجانی قیمت اتفاق بیفتد؛ مشروط بر اینکه مردم به جای دنبال کردن قیمت‌های اسمی در آگهی‌ها و مقایسه روزانه با طلا و ارز، قیمت واقعی ملک را از مشاوران املاک دارای مجوز و مورد اعتماد دریافت کنند.

به گفته او، بازار مسکن همچنان ظرفیت رونق دارد، اما این رونق باید بر پایه معاملات واقعی، قیمت‌های کارشناسی‌شده و رفتار منطقی شکل بگیرد؛ چرا که فشارهای دستوری و قیمت‌سازی‌های غیرکارشناسی ممکن است در کوتاه‌مدت بازار را آرام نشان دهد، اما در بلندمدت فشار بیشتری بر قیمت‌ها وارد خواهد کرد.

رفیع‌زاده:

تکلیف دبیرخانه مناطق آزاد طی دو هفته آینده مشخص می‌شود

معاون رئیس‌جمهورازبرگزاری جلساتی برای تعیین محل استقرار دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد طی هفته های آتی خبرداد. علاءالدین رفیع‌زاده، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان اداری و استخدامی، در گفت‌وگو با تسنیم درباره مصوبه شورای عالی اداری و ابلاغیه اسفندماه به وزارت امور اقتصادی و دارایی درباره تلفیق دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد با ساختار وزارت اقتصاد و همچنین مذاکرات انجام‌شده با رئیس‌جمهور نکات مهمی را مطرح کرد.

وی گفت: در دیداری که با رئیس‌جمهور داشتم، موضوع جایگاه دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد مطرح شد و پیشنهاد این بود که این دبیرخانه به سازوکار قبلی خود، بازگردد.رفیع‌زاده افزود: حدود پنج ماه قبل این مصوبه صادر شد و در آن زمان موضوع محل استقرار دبیرخانه و اینکه در کدام ساختار می‌تواند اثربخشی بیشتری داشته باشد، مورد بحث و بررسی قرار گرفت، اما تصمیم نهایی در این خصوص اتخاذ نشد.معاون رئیس‌جمهور ادامه داد: در حال حاضر قرار است طی همین هفته یا هفته آینده جلساتی با حضور وزیر امور اقتصادی و دارایی و معاون اول رئیس‌جمهور برگزار شود تا مشخص شود دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد در کدام ساختار می‌تواند عملکرد مؤثرتری داشته باشد.

وی تصریح کرد: در مذاکراتی که با رئیس‌جمهور داشتم، ایشان نیز تأکید کردند که ملاک، اجرای قانون و انتخاب ساختاری است که دبیرخانه در آن بتواند مؤثرتر عمل کند.

خبر

رئیس مرکز جوانی جمعیت:

رشد جمعیت کشور با تداوم وضع فعلی تا ۲ دهه آینده صفر می‌شود

رئیس مرکز جوانی جمعیت وزارت بهداشت گفت:اگر کاهش ولادت‌ها ادامه پیدا کند، طی دو دهه آینده رشد جمعیت صفر می‌شود. رضا سعیدی، رئیس مرکز جوانی جمعیت، سلامت خانواده و مدارس وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اظهار کرد: توجه به جمعیت و اهمیت این موضوع، امروز به یک مسئله مهم و مورد توجه در سطح کشور تبدیل شده و خوشبختانه مسئولان و مدیران حوزه‌های مختلف نیز بیش از گذشته نسبت به ضرورت برنامه‌ریزی و اقدام در این زمینه اهتمام دارند.وی با اشاره به وضعیت جمعیتی کشور گفت: اگرچه در سال گذشته حدود ۹۰۰ هزار ولادت و ۴۵۰ هزار فوت در کشور ثبت شده و با در نظر نگرفتن سایر عوامل، حدود ۴۵۰ هزار نفر به جمعیت کشور افزوده شده اما روند ولادت‌ها همچنان کاهشی بوده و این مسئله نیازمند توجه جدی و برنامه‌ریزی مستمر در سال‌های پیش رو است.

رئیس مرکز جوانی جمعیت، سلامت خانواده و مدارس وزارت بهداشت ادامه داد: اگر روند کاهش ولادت‌ها ادامه پیدا کند، طی یک تا دو دهه آینده رشد جمعیت به نقطه صفر خواهد رسید و پس از آن ممکن است وارد روند منفی شود؛ بنابراین باید موضوع جمعیت در همه دستگاه‌ها و حوزه‌های اجرایی کشور با جدیت بیشتری دنبال شود و هر بخش متناسب با مأموریت خود برای رفع موانع فرزندآوری و حمایت از خانواده اقدام کند.

وی یکی از مهم‌ترین اقدامات این وزارتخانه در حوزه حمایت از جوانی جمعیت را توسعه خدمات درمان ناباروری عنوان کرد و گفت: در حال حاضر حدود سه میلیون زوج نابارور در کشور وجود دارند و خوشبختانه طی چهار سال گذشته، تعداد مراکز درمان ناباروری در سطوح مختلف تقریباً دو برابر شده و از حدود ۱۰۰ مرکز به نزدیک ۲۰۰ مرکز افزایش یافته است.

رئیس مرکز جوانی جمعیت، سلامت خانواده و مدارس وزارت بهداشت افزود: توسعه این مراکز و افزایش دسترسی زوج‌های نابارور به خدمات تخصصی، در کنار پیشرفت‌های علمی و درمانی، ظرفیت مناسبی برای حمایت از زوج‌ها و کمک به تحقق فرزندآوری فراهم کرده است و در موارد متعددی نیز درمان‌های موفق ناباروری با همکاری متخصصان زنان و جنین‌شناسی، به بارداری و تولد فرزند منجر شده است.

مدیرعامل گاز:

خسارات جنگ را تا پیش از زمستان جبران می‌کنیم

مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران با اشاره به آسیب‌های گسترده واردشده به تأسیسات گاز کشور گفت: روند بازسازی با سرعت در حال انجام است و بخش عمده ظرفیت‌های آسیب‌دیده تا پیش از زمستان به شبکه تولید بازخواهد گشت.سعید توکلی، معاون وزیر نفت، با اشاره به وضعیت تأمین گاز کشور اظهار کرد: امسال، علی‌رغم اتفاقاتی که در ۲۷ اسفندماه توسط دشمن صهیونیستی ـ آمریکایی رخ داد و حملاتی که انجام شد، نزدیک به ۲۳۰ میلیون مترمکعب گاز را از دست دادیم که در آن مقطع معادل حدود یک‌سوم ظرفیت تولید کشور بود.توکلی ادامه داد: اگر بخواهم عملکرد پنج‌ماهه نخست سال را با مدت مشابه سال گذشته مقایسه کنم، علی‌رغم اینکه میزان گازی که به شبکه تحویل دادیم حدود ۱۴ درصد کمتر از سال گذشته بود، میزان گاز تحویلی به نیروگاه‌ها حدود ۸۵ درصد بود؛ این رقم در سال گذشته ۸۶ درصد بوده است.مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران تصریح کرد: همچنین میزان گاز تحویلی به برخی صنایع و کسب‌وکارهای کوچک، حدود یک میلیارد مترمکعب بیشتر از سال گذشته بوده است.وی درباره تأمین گاز صنایع عمده نیز گفت: در بخش صنایع عمده که عمدتاً شامل صنایع فولاد و پتروشیمی هستند، محدودیتی برای آنها قائل نشدیم؛ هرچند برخی از این صنایع به دلیل آسیب‌هایی که در جریان جنگ تحمیلی سوم متحمل شده بودند، با مشکلاتی مواجه شدند.توکلی با اشاره به گستردگی آسیب‌های واردشده به تأسیسات شرکت ملی گاز گفت: متأسفانه حادثه بسیار سنگینی در ۲۷ اسفندماه رخ داد، اما این آسیب‌ها محدود به یک مورد نبود و در مجموع نزدیک به ۷۹۲۴ مورد آسیب به تأسیسات شرکت ملی گاز ایران وارد شد.وی خاطرنشان کرد:روند بازسازی و بازگرداندن ظرفیت‌های آسیب‌دیده با سرعت در حال انجام است. بخشی از این ظرفیت از دست‌رفته تا پیش از زمستان بازخواهد گشت.

تهران صدرنشین جرایم سایبری؛ کدام جرم دغدغه پلیس فتاست؟

رئیس پلیس فتا فراجا ضمن تشریح آخرین آمار جرایم سایبری می‌گوید که پلیس فتا تهران بزرگ با توجه به وسعت جمعیت با ۱۳ درصد فراوانی پرونده، رتبه اول وقوع جرایم را به نام خود ثبت کرده است.رئیس پلیس فتا فراجا سردار وحید مجید در نمایشگاه الکامپ آخرین آمار کلاهبرداری‌های اینترنتی و راهکارهای پیشگیری را عنوان کرد.سردار وحید مجید رئیس پلیس فتا فراجا با بیان اینکه در پنج ماهه ۱۴۰۵ نسبت به سال ۱۴۰۴، ۱۹ درصد کاهش وقوع داریم، اظهار داشت: در همین مدت درصد کشف به وقوع ۹۰ درصد بوده است که یک درصد افزایش داشته است.سردار مجید ادامه داد: اولویت پلیس فتا در برخورد، کلاهبرداری اینترنتی، دوم برداشت غیر مجاز، سوم دسترسی غیرمجاز به داده‌ها و چهارم هتک حیثیت است.

رئیس پلیس فتا فراجا در خصوص فراوانی پرونده‌ها در استانها گفت: پلیس فتا تهران بزرگ با توجه به وسعت جمعیت ۱۳ درصد، خراسان رضوی ۱۲ درصد، اصفهان هشت درصد، خوزستان شش درصد و فارس پنج درصد به خود اختصاص داده است.وی تصریح کرد: استان‌های کیش، کرمانشاه، کهگلویه و بویراحمد، لرستان و سیستان و بلوچستان کاهش وقوع داشته اند.

گیلان

گردنه حیران؛ شگفتی طبیعت میان زمین و آسمان گیلان

گردنه زیبای حیران در میانه جاده آستارا به اردبیل در استان گیلان که تا سال‌ها پیش تنها یک روستای نیمه متروک حیران در آن قرار داشت؛ اکنون به یک حوزه گردشگری مبدل شده و یکی از شش طرح بزرگ محور گردشگری استان گیلان در این منطقه اجرا شده است.

، آستارا با داشتن آمیزه‌ای از جاذبه‌های گردشگری کوهستان، تجارت، زیست محیطی و مرزی طی دو دهه گذشته گام‌های بزرگی برای تبدیل شدن به قطب مهم گردشگری کشور برداشته است و با وجود بازارچه مرزی و ساحلی بزرگ شامل یک هزار و ۲۰۰ واحد تجاری، یکی از ۲۰ شهر گردشگرپذیر ایران محسوب می‌شود و گردنه حیران یکی از زیباترین جاده‌های شمالی ایران یکی از جاذبه های بارز گردشگری این شهرستان گیلان است که چون معنای لغوی آن گردشگران را «حیرت زده» می‌کند.

البته حیران در اصل ریشه تالشی دارد و به منطقه‌ای اشاره دارد که پوشیده از مه است؛ شاید فکر کنید که سفر فقط مقصد شما است اما با عبور از این جاده خواهید دید جاده مهمترین قسمت سفر است زیرا تمام طول مسیر با زیبایی‌های بسیاری رو به رو خواهید شد که شما را شگفت زده خواهند کرد؛ در واقع عبور از این جاده خودش سفری بی‌نظیر است؛ گردنه حیران در مسیر آستارا–اردبیل واقع شده است.

این منطقه سرسبز و رویایی گردنه‌ای در دل کوه‌های سرسبز شمالی ایران است که به همراه روستاهای وانه بین، حاجی امیر بالا و حاجی امیر پایین از مناطق حفاظت شده استان گیلان محسوب می‌شود؛ وجود فرصت گردشگری در این منطقه سبب شده است تا مردمان روستاهای اطراف با راه‌اندازی کسب و کارهای مرتبط با گردشگری و به خصوص پخت غذاهای محلی و یا فروش میوه‌های جنگلی از نظر اقتصادی پیشرفت کنند.

گردشگرانی که به استان گیلان یا اردبیل سفر کرده‌اند می‌توانند از این جاده و گردنه بسیار سرسبز دیدن کنند و خاطراتی خوش برای خود و همراهانشان رقم بزنند؛ قرار گرفتن گردنه حیران در مسیر میان اردبیل و استان گیلان و شهر آستارا موجب شده، گردشگران بتوانند در گذر از این گذرگاه، هم از جاهای دیدنی اردبیل دیدن کنند و هم از زیبایی های گیلان بهره ببرند.

چرا بازدید از گردنه حیران پیشنهاد می شود؟

گردنه حیران از جمله جذابترین جاده‌های شمالی ایران است که علاوه بر طبیعت منحصر بفرد، آب و هوای بسیار دلپذیری نیز دارد؛ گردنه حیران در مسیر اتصال شهرهای شمال غربی و شمالی ایران قرار دارد و در واقع به نوعی هم مسیری دیدنی است و هم از جاده‌های اصلی این منطقه به شمار می‌رود؛ گردنه حیران از نظر امکانات رفاهی نیز در سطح قابل قبولی قرار دارد و در روستاهای موجود در این مسیر کلبه‌های زیادی برای اقامت گردشگران آماده شده است؛ در گردنه حیران همه چیز لذت‌بخش و آرامش آفرین است و برای کسانی که می‌خواهند به دور از شلوغی شهر و هیاهوی آن به استراحت بپردازند بهترین گزینه است.

اولین چیزی که هنگام عبور از این جاده چشمان شما را مجذوب خود می‌کند؛ پوشش جنگلیِ کوه‌های گردنه حیران است که همه جا را احاطه کرده است؛ آرام آرام که در جاده پیش می‌روید مراتع سرسبزی را پیدا خواهید کرد که زیبایی چشم‌نوازی به کلبه‌های منطقه می‌بخشد؛ در این میان دام‌های چرنده یا اسب‌هایی که در کنار جاده می‌روند، سبب می‌شوند تا تصویری ماندگار در ذهن شما ثبت شود و همه این زیبایی‌های طبیعی شما را مجذوب خود خواهند کرد.

البته همه چیز به اینجا ختم نمی شود، همه این زیبایی‌ها در این گردنه در جاده مه آلود غرق می‌شوند تا بهشتی رویایی برای شما ایجاد کنند و این سوال ممکن است به ذهن شما خطور کند که این مه در این ارتفاع از کجا آمده است؛ در واقع مه از دریای خزر در داخل گردنه می‌پیچد، گویی در این ارتفاع در میان ابرها راه می‌رود؛یک طرف این گردنه کوه‌های سرسبز است و در طرف دیگر و در قسمت دره‌ای این گردنه رود ارس قرار دارد که قسمت مرزی بین ایران و جمهوری آذربایجان است.

این گردنه علاوه بر تابستان و بهار در فصل زمستان که همه کوه‌های آن پوشیده از برف است جذابیت ویژه‌ای دارد.

امکانات رفاهی موجود در گردنه حیران

در جای جای این گردنه بسیار زیبا شاهد مکان‌هایی هستیم که توسط افراد محلی تعبیه شده است و در آن نیازهای غذایی و خوراک به فروش می‌رسد؛ تجربه خوردن آش محلی و بلال در این گردنه بسیار پیشنهاد می‌شود.

همانطور که گفته شد روستاهای بسیاری در این گردنه وجود دارند که افراد محلی اتاق‌ها و یا طبقاتی از خانه‌های خود را به مسافران اجاره می‌دهند؛ از جمله امکانات تفریحی گردنه حیران نیز می‌توان به تله کابین آن اشاره کرد که یکی از بی‌نظیرترین تله کابین‌های کشورمان است که به دهکده گردشگری حیران شهرت دارد، زیرا طبیعتی منحصربفرد را از داخل کابین‌های آن خواهید دید.

در گردنه حیران هتل های خوب و با امکانات مناسبی ساخته شده است که می‌تواند محل مناسبی برای اقامت شبانه باشد؛ در این مسیر هتل پنج ستاره با ۷۴ اتاق و ۱۸۰ تخت و هتل چهار ستاره با ۲۹ اتاق و ۸۵ تخت و همچنین اقامت گاه بوم گردی در روستای مشند محل‌های مناسبی هستند که اداره میراث فرهنگی و گردشگری آستارا برای مهمانان مهیا نموده است.

چگونه به گردنه حیران برویم؟

در واقع گردنه حیران جاده اتصال بین اردبیل و آستارا است و دسترسی به آن بسیار آسان است فقط باید در نظر داشته باشید که فصل زمستان را با احتیاط در آن رانندگی کنید؛ گردنه حیران از مسیرهایی است که در تمام فصول زیباست، ولی در زمستان به دلیل یخ زدن جاده آن باید با احتیاط رانندگی کرد؛ در پاییز نیز طبیعت این منطقه به دلیل رنگهای پاییزی درختان جذاب و منحصربفرد است.

رئیس اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی شهرستان آستارا روز سه‌شنبه در گفت و گو با ایرنا در خصوص گردنه حیران، اظهار کرد: با توجه به قابلیت منطقه حیران برای سرمایه‌گذاری مضاعف در گردشگری آن می‌توان با جذب سرمایه‌گذاران جدید در آن منطقه بکر و به صورت اصولی بر رونق گردشگری و ماندگاری مسافران برای شهرستان مرزنشین آستارا اقدام کرد.احمد داداش زاده اصل با اشاره به اینکه فصول بهار و تابستان فرصتی عالی در صنعت گردشگری روستای حیران است، گفت: هم اکنون منطقه نمونه گردشگری حیران با استقبال چشمگیر گردشگران داخلی و خارجی مواجه است.

وی عنوان کرد: شهرستان مرزی آستارا مستعد سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری است و مناطق نمونه گردشگری آستارا کمک موثری به پویایی اقتصاد این شهرستان مرزی می کنند.

رئیس اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی شهرستان آستارا با تاکید بر اینکه سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری آستارا زود بازده است و بخش خصوصی نیز در این رابطه می‌تواند در رشد و ارتقای این عرصه سودآور بیش از پیش سهیم باشد، افزود: از سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در زمینه طرح‌ها و اقامتگاه‌های بوم‌گردی و با حفظ طبیعت منطقه حیران در راستای ایجاد اشتغال در آستارا حمایت می‌شود.

داداش زاده بر ضرورت حفظ طبیعت منطقه زیبا و منابع خدادادی منطقه حیران تاکید کرد و گفت: شهرستان مرزی آستارا با داشتن جاذبه‌های ویژه تجارت مرزی و طبیعت زیبای ساحل دریای خزر و گردنه حیران، در تمام فصول سال به ویژه در تعطیلات سال نو و تابستان پذیرای گردشگران داخلی و خارجی است.

وی ادامه داد: گردنه و روستای زیبای حیران یکی از جاذبه‌های اصلی گردشگری طبیعت در استان گیلان است که نظر هر مسافر و گردشگری را به خود جلب می کند.

قریبی:

نرخ تبدیل شالی در گیلان باید با استان های شمالی همسان شود

عضو هیئت مدیره اتحادیه کارخانجات شالیکوبی گیلان با اشاره به افزایش هزینه‌های فرآوری برنج گفت: نرخ تبدیل شالی باید متناسب با هزینه‌های واقعی و شرایط استان‌های همجوار تعیین شود.

حمید قریبی ر با اشاره به مسائل و مشکلات شالیکوبی‌های گیلان اظهار کرد: انتظار داریم استاندار گیلان، معاون اقتصادی استاندار، رئیس سازمان جهاد کشاورزی گیلان و مسئولان سازمان‌های مرتبط، حمایت های لازم را برای نوسازی ماشین آلات و کاهش ضایعات برنج در شالیکوبی‌ها انجام دهند.وی افزود: در صورت رسیدن میزان ضایعات به استاندارد جهانی هفت تا ۱۱ درصد، می‌توان از هدررفت حجم قابل توجهی از محصول جلوگیری کرد. امروز بخشی از برنج تولیدی کشور به دلیل فرآوری نامناسب از چرخه مصرف انسانی خارج شده و به محصولاتی مانند آرد و خوراک دام تبدیل می‌شود که ارزش افزوده بسیار پایین‌تری دارد.

عضو هیئت مدیره اتحادیه کارخانجات شالیکوبی گیلان ادامه داد: باید با یک برنامه جدی و با استفاده از فناوری‌های نوین، میزان ضایعات را کاهش دهیم تا بخشی از محصولی که امروز در فرآیند تبدیل و سفید کردن از بین می‌رود، به چرخه مصرف بازگردد.

ضرورت تأمین سرمایه در گردش شالیکوبی‌ها

قریبی یکی دیگر از مشکلات اساسی این بخش را کمبود سرمایه در گردش عنوان کرد و گفت: کارخانجات شالیکوبی از گذشته با استفاده از تسهیلات بانکی و سرمایه در گردش، مواد اولیه را از کشاورزان خریداری می‌کردند و در طول ماه‌های فعالیت، ارتباط اقتصادی مستمری با کشاورزان داشتند.وی اضافه کرد: امروز بسیاری از کارخانجات توان مالی لازم برای خرید محصول کشاورزان را ندارند. از سوی دیگر، برخی مراکز و مجموعه های معتبر در استان‌های مقصد درخواست خرید برنج به صورت مدت‌دار دارند، اما کارخانه‌دار به دلیل نبود نقدینگی کافی نمی‌تواند محصول را با شرایط اقساطی در اختیار آنها قرار دهد.مدیرعامل اتحادیه کارخانجات شالیکوبی گیلان با تأکید بر لزوم اختصاص سرمایه در گردش با دوره بازپرداخت مناسب به واحدهای فرآوری برنج تصریح کرد: تأمین نقدینگی می‌تواند هم به خرید محصول از کشاورزان کمک کند و هم امکان عرضه برنج به بازارهای مصرف و استان‌های مقصد را افزایش دهد.قریبی تصریح کرد: حمایت مالی از بخش تولید و فرآوری نباید با سیاست‌های انقباضی یکسان تلقی شود؛ زیرا سرمایه در گردش در بخش تولید می‌تواند به افزایش تولید، حفظ اشتغال و ایجاد ارزش افزوده کمک کند.وی با اشاره به موضوع نرخ تبدیل شالی گفت: طی سال‌های گذشته بارها تأکید کرده‌ایم که گیلان از نظر نرخ تبدیل شالی با استان‌های همجوار از جمله مازندران و گلستان تفاوت داشته و این مسئله فشار زیادی به کارخانجات شالیکوبی وارد کرده است.

عضو هیئت مدیره اتحادیه کارخانجات شالیکوبی گیلان افزود: فرآیند بوجاری و سفید کردن برنج، بخش مهمی از مراحل

نهایی فرآوری است و هزینه‌های نیروی انسانی، برق، تعمیرات و نگهداری تجهیزات نسبت به سال‌های گذشته افزایش یافته است؛ بنابراین ادامه فعالیت واحدها بدون اصلاح و واقعی‌سازی هزینه‌های تبدیل امکان‌پذیر نیست.قریبی با اشاره به برگزاری جلسات با مسئولان استان برای بررسی این موضوع گفت: خوشبختانه در دوره اخیر، استانداری و مسئولان اقتصادی استان موضوع همسان سازی نرخ تبدیل شالی را مورد توجه قرار داده‌اند و انتظار داریم این روند با جدیت دنبال شود.وی تأکید کرد: نرخ تبدیل شالی در گیلان با استان های همجوار قابل مقایسه است و حتی در برخی موارد، اجرت تبدیل در استان های مازندران و گلستان بیشتر از گیلان است؛ بنابراین نباید افزایش منطقی و همسان‌سازی این نرخ به عنوان گران‌فروشی تلقی شود.قریبی ادامه داد: همچنین جلوگیری خواهد شد از سوءاستفاده شرکت‌های رانتی، چه شرکت‌های بزرگ و چه فروشگاه‌های زنجیره‌ای که اقدام به انبار کردن کالا می‌کنند و بر اساس میل و رضایت خود، عرضه و قیمت‌گذاری را در فروشگاه‌هایشان تنظیم کرده و بازار را دچار تلاطم می‌کنند.

وی افزود: نرخ تبدیل شالی باید به‌صورت یکسان در سراسر کشور اجرا شود و یا دست‌کم برای سه استان شمالی، یعنی گیلان، مازندران و گلستان، به شکل یکسان تعیین و اعمال شود.

هزینه فرآوری سهم اندکی از قیمت نهایی برنج است

مدیرعامل اتحادیه کارخانجات شالیکوبی گیلان با بیان اینکه افزایش هزینه‌های تولید و کشاورزی بسیار بیشتر از هزینه فرآوری برنج بوده است، گفت: قیمت برنج در سال‌های اخیر افزایش قابل توجهی داشته، اما سهم افزایش نرخ تبدیل شالی در قیمت نهایی برنج بسیار ناچیز است.قریبی ادامه داد: اگر هدف حمایت از کشاورز است، باید افزایش هزینه های نهاده های کشاورزی، کود، سم، ماشین‌آلات و سایر هزینه های تولید نیز مورد توجه قرار گیرد و حمایت‌ها نباید تنها متوجه یک بخش از زنجیره تولید باشد.وی با اشاره به ضرورت اجرای قوانین مربوط به اجرت تبدیل شالی افزود: اگر قانونی برای تعیین میزان اجرت تبدیل شالی وجود دارد، باید به صورت یکسان و عادلانه در سراسر کشور اجرا شود تا هم کشاورز و هم صنعت فرآوری برنج از یک سازوکار مشخص برخوردار باشند.

زنجیره تولید برنج باید به صورت یکپارچه دیده شود

قریبی با تأکید بر ضرورت نگاه زنجیره‌ای به صنعت برنج اظهار کرد: از مرحله کاشت، داشت و برداشت تا فرآوری و عرضه، همه بخش‌ها حلقه‌های یک زنجیره هستند و نمی‌توان یک بخش را جدا از سایر بخش‌ها مورد ارزیابی قرار داد.

وی افزود: شالیکوبی‌ها حلقه تکمیلی تولید برنج هستند و محصول کشاورز تا زمانی که در کارخانه فرآوری نشود، قابلیت عرضه نهایی به سفره مردم را پیدا نمی‌کند؛ بنابراین حمایت از کشاورز بدون توجه به صنعت فرآوری، حمایت کامل و پایدار از زنجیره برنج نخواهد بود.

عضو هیئت مدیره اتحادیه کارخانجات شالیکوبی گیلان در پایان گفت: انتظار ما از مسئولان این است که کشاورز و صنعت فرآوری را در کنار یکدیگر ببینند و با حمایت از نوسازی ماشین آلات، تأمین سرمایه در گردش و اجرای عادلانه قوانین، زمینه تقویت زنجیره تولید برنج را فراهم کنند تا محصول باکیفیت گیلان با ارزش افزوده بیشتر به دست مصرف‌کننده برسد.

راهبرد توسعه صادرات کیوی گیلان با تمرکز بر «برندینگ منطقه‌محور»

عضو هیات علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی گیلان، «برندینگ منطقه‌محور» را راهبردی برای تبدیل کیوی گیلان از یک محصول فله‌ای به کالایی متمایز و دارای ارزش افزوده در بازارهای جهانی دانست و گفت: در این استراتژی شما صرفا کیوی نمی‌فروشید بلکه کیوی پرورش‌یافته در دامان جنگل‌های هیرکانی و رطوبت مطبوع گیلان را می‌فروشید.

محمود هوشیارفرد با اشاره به ضرورت استانداردسازی صادراتی کیوی گیلان اظهار کرد: استانداردسازی صادراتی برای کیوی گیلان، پلی است که کیفیت باغی را به ارزش ارزی تبدیل می‌کند. برای اینکه کیوی گیلان بتواند در بازارهای سخت‌گیر مانند اروپا، کشورهای حاشیه خلیج فارس، روسیه و هند رقابت کند، استانداردسازی باید در سه بخش «باغ»، «سورتینگ» و «بسته‌بندی» اعمال شود.وی افزود: امروزه خریداران بزرگ دنیا دیگر فقط به ظاهر میوه نگاه نمی‌کنند؛ آن‌ها «شناسنامه سلامت» محصول را می‌خواهند. هر باغ باید یک دفترچه ثبت وقایع داشته باشد که در آن تاریخ دقیق کوددهی، نوع و میزان آفت‌کش مصرفی با تأییدیه سازمان حفظ نباتات و زمان آبیاری ثبت شده باشد. محصولی که «ردپای دیجیتال» نداشته باشد، در بازارهای صادراتی «کالای درجه دو» محسوب می‌شود.

ضرورت تشکیل شورای سیاست‌گذاری «کیوی گیلان»

عضو هیات علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی گیلان ادامه داد: لازم است که یک شورای سیاست‌گذاری کیوی گیلان تشکیل شود که پروتکل استانداردهای کیفیت، شامل سفتی، قند، ماده خشک و سموم را برای استفاده از این نام تجاری تعیین کند. برای برندسازی گیلان، باید پروتکل‌های برداشت، یعنی زمان دقیق برداشت برای رسیدن به قند مناسب، سایزبندی و بسته‌بندی در سطح کل باغداران و صادرکنندگان یکپارچه شود.

هوشیارفرد تصریح کرد: تنها تولیدکنندگانی که پروتکل‌های تولید را رعایت می‌کنند، اجازه دارند لوگوی کیوی گیلان را روی بسته‌بندی خود بزنند، این یعنی «برند» تبدیل به یک «ضامن کیفیت» می‌شود.این استادیار پژوهشی، با بیان اینکه سخت‌گیرانه‌ترین بخش صادرات، حد مجاز باقی‌مانده سموم است، گفت: استانداردهای صادراتی حکم می‌کنند که سم‌پاشی‌ها باید حداقل ۳۰ تا ۴۵ روز قبل از برداشت متوقف شود؛ پایش سلامت باغ باید روی دوره کارنس یا دوره ماندگاری سم متمرکز باشد.

عضو هیات علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی گیلان یکی از دلایل شکست کیوی ایران در بازارهای جهانی را برداشت زودهنگام برای زودتر رسیدن به بازار دانست و بیان کرد: استانداردسازی صادراتی باید بر اساس شاخص بریکس(Brix)، ماده خشک میوه، سفتی بافت میوه و استانداردهای بسته‌بندی و سورتینگ استوار باشد.

وی با اشاره به اینکه حداقل میزان قند (TSS) برای صادرات کیوی معمولا باید بالای ۶.۵ تا ۷ باشد، ادامه داد: پایش با دستگاه‌های دیجیتال «رفرکتومتر» در باغ، قبل از چیدن، الزامی است. ماده خشک، مهم‌ترین شاخص برای مشتری نهایی است. استاندارد صادراتی ایجاب می‌کند که کیوی حداقل ۱۵ درصد ماده خشک داشته باشد. میوه‌ای که ماده خشک پایینی دارد، طعم خوبی ندارد و پس از انبارداری کیفیت خود را از دست می‌دهد.

بسته‌بندی؛ ابزار حفاظتی و هویتی «کیوی گیلان»

هوشیارفرد با اشاره به اهمیت بسته‌بندی در صادرات کیوی گفت: بسته‌بندی فقط ظاهر نیست؛ یک ابزار حفاظتی است. کالیبراسیون و سورتینگ بر اساس وزن ضروری است. خریدار خارجی کیوی‌هایی با سایز نامنظم در یک جعبه را نمی‌پسندد. استاندارد بین‌المللی معمولا بر اساس تعداد میوه در هر لایه، مثلا سایزهای ۷۰ تا ۱۰۰ گرم، ۱۰۰ تا ۱۲۰ گرم و ... تعریف می‌شود.

این پژوهشگر حوزه کشاورزی، افزود: همچنین، استفاده از پدهای جاذب رطوبت و کارتن‌های دارای تهویه مناسب باید رعایت شود. کیوی محصولی است که «اتیلن» تولید می‌کند؛ گاز

رسیدن. بسته‌بندی باید به گونه‌ای باشد که از رسیدن زودرس میوه جلوگیری کند. همچنین، لیبل‌گذاری و درج اطلاعات دقیق روی بسته‌ها، شامل نام باغدار یا تعاونی، تاریخ برداشت، کد سلامت و کشور مبدأ، یک الزام قانونی برای استانداردهای اروپایی است.

کیوی گیلان باید با هویتی واحد در بازارهای جهانی حاضر شود

عضو هیات علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی گیلان حضور در نمایشگاه‌های تخصصی و زنجیره تأمین را از دیگر ملزومات برندسازی منطقه‌ای عنوان کرد و گفت: برندینگ صرفا تبلیغات نیست؛ حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی، مثل Fruit Logistica در برلین یا نمایشگاه‌های بزرگ روسیه، با هویتی واحد به نام «کیوی گیلان» و نه به صورت پراکنده، اهمیت دارد.

وی درباره موانع پیش روی باغداران و صادرکنندگان گیلانی برای رعایت استانداردهای صادراتی اظهار کرد: خرد بودن باغات کیوی، عدم آگاهی کافی از بازار و سورتینگ‌های سنتی از موانع اصلی استانداردسازی کیوی محسوب می‌شوند.

هوشیارفرد ادامه داد: راهکارهای عملیاتی برای رفع این موانع، تجمیع تولید در قالب تعاونی‌های صادراتی، یکپارچه‌سازی مدیریت فنی و نظارت یکپارچه بر سلامت محصول، استفاده از مشاوران صادراتی برای سنجش تقاضای بازار هدف، مثلا هند کیوی کوچک‌تر و ارزان‌تر می‌خواهد، اما روسیه کیوی درشت و باکیفیت می‌خواهد و سرمایه‌گذاری یا اجاره تجهیزات سورتینگ هوشمند، با قابلیت تصویربرداری و تشخیص سایز و کیفیت داخلی بدون آسیب به میوه، پیشنهاد می‌شوند.

وی، درباره ضرورت برندسازی منطقه‌ای برای کیوی گیلان گفت: در بازار صادراتی، مثلا روسیه، هند یا کشورهای خلیج فارس، کیوی ایران باید از کیوی رقبا، مانند کیوی نیوزلند، ایتالیا یا ترکیه، متمایز شود. برندسازی منطقه‌ای (Gilan Kiwi) به خریدار این پیام را می‌دهد که محصول نه فقط «ایرانی»، بلکه محصولِ یک اقلیم خاص با ویژگی‌های کیفی مشخص است.

عضو هیات علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی گیلان افزود: همچنین، مسئله بعدی اعتبارسازی است. وقتی یک منطقه به عنوان قطب تولید یک محصول خاص، یعنی کیوی در گیلان، معرفی شود، استانداردهای کیفی آن منطقه در ذهن خریدار نهادینه می‌شود. خریداران عمده به دنبال ثبات کیفیت هستند؛ برندینگ منطقه‌ای این پیام را مخابره می‌کند که «گیلان معادل دانش تخصصی و کیفیت پایدار در کیوی».

«کیوی گیلان»؛ عبور از عنوان محصول ایرانی به محصول یک اقلیم

وی خاطرنشان کرد: از طرف دیگر، محصولی که «برند» دارد، مثلا اگر کیوی گیلان با استانداردهای مشخص بسته‌بندی و معرفی شود، دیگر یک کالای عمومی نیست که بر اساس قیمت روز معامله شود، بلکه به یک محصول متمایز تبدیل می‌شود که قیمت آن توسط عرضه‌کننده، با اتکا به کیفیت، بهتر مدیریت می‌شود.هوشیارفرد در تشریح نقشه راه عملیاتی برای پیاده‌سازی برندینگ منطقه‌ای کیوی گیلان بیان کرد: برای کیوی گیلان، «برندینگ منطقه‌محور» استراتژیک‌ترین گام برای خروج از «تله کالای فله‌ای» و ورود به بازار کالاهای لوکس و باارزش است. در این استراتژی، شما صرفا کیوی نمی‌فروشید؛ بلکه کیوی پرورش‌یافته در دامان جنگل‌های هیرکانی و رطوبت مطبوع گیلان را می‌فروشید. نقشه راه این راهبرد، بر پایه تعریف هویت، ایجاد نشان جغرافیایی، کنسرسیوم صادراتی و استفاده از فناوری در برندسازی است. وی افزود: برندینگ منطقه‌ای بر پایه مفهوم «خاستگاه» استوار است. لذا، باید ثابت کنیم که کیوی گیلان با کیوی سایر مناطق، مانند مازندران، یا حتی رقبا در کشورهای دیگر، متفاوت و دارای مزیت رقابتی است، یعنی روی ویژگی‌های اقلیمی گیلان، شامل خاک غنی، آب‌وهوای نیمه‌استوایی معتدل شمال و تأثیر دریای خزر، تأکید کنیم. این ویژگی‌ها باعث ایجاد بافت منحصربه‌فرد، طعم متعادل، یعنی قند و اسید مطلوب و ماندگاری خاص می‌شود.

عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی گیلان ادامه داد: علاوه بر این، هر بسته‌بندی باید حاوی یک داستان کوتاه باشد؛ مثلا «کیوی گیلان؛ رشد یافته در جوار رویشگاه‌های هیرکانی». این داستان‌سرایی به محصول شخصیت و هویت می‌دهد و مشتری خارجی حاضر است برای آن پول بیشتری بپردازد.وی خاطرنشان کرد: همچنین، یکی از معتبرترین روش‌ها در تجارت جهانی، ثبت «نشان جغرافیایی» است. ثبت نشان جغرافیایی برای کیوی گیلان در سازمان‌های بین‌المللی، راهکار قانونی برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی است و به خریدار خارجی اطمینان می‌دهد که محصول اصل گیلان است.

مدیرکل اقتصادی و دارایی گیلان:

۷۷ درصد کل درآمدهای استانی تحقق یافت

مدیرکل امور اقتصادی و دارایی گیلان گفت: در پنج ماهه امسال ۹۸ هزار و ۷۸۵ میلیارد و ۲۸۵ میلیون ریال درآمد استانی در گیلان وصول شده که معادل ۷۷ درصد درآمدهای مصوب این استان است و نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۸۵ درصد افزایش دارد.

علیرضا نوروزی اظهار کرد: از مجموع درآمدهای استانی گیلان در پنج ماهه امسال، ۸۸ هزار و ۴۷۳ میلیارد و ۷۳۹ میلیون ریال مربوط به درآمدهای مالیاتی بوده که این میزان ۷۱ درصد درآمدهای مالیاتی مصوب را محقق کرده و نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۷۶ درصد رشد داشته است.

وی افزود: همچنین در این مدت ۱۰ هزار و ۳۱۱ میلیارد و ۴۵۶ میلیون ریال سایر درآمدهای استانی در گیلان وصول شده که میزان تحقق آن نسبت به رقم مصوب به ۳۲۶ درصد رسیده است.مدیرکل امور اقتصادی و دارایی گیلان در ادامه با اشاره به روند صدور مجوزهای کسب‌وکار در استان اظهار کرد: از ابتدای امسال تاکنون ۳۶ هزار و ۷۵۸ درخواست مجوز کسب‌وکار در گیلان ثبت شده که از این تعداد ۲۲ هزار و ۴۹۱ فقره مجوز صادر شده است.نوروزی افزود: میزان پاسخگویی به درخواست‌های مجوز کسب‌وکار در استان ۹۹.۹ درصد بوده است؛ از مجموع درخواست‌های ثبت‌شده در سال جاری ۲۲ هزار و ۶۹۴ فقره معادل ۶۲ درصد توسط

مردان و ۱۴ هزار و ۶۳ فقره معادل ۳۸ درصد توسط زنان ثبت شده است.

وی گفت: تاکنون برای متقاضیان مرد ۱۳ هزار و ۳۰۱ مجوز و برای متقاضیان زن نیز ۹ هزار و ۱۹۰ مجوز صادر شده است.

مدیرکل امور اقتصادی و دارایی گیلان با اشاره به مجوزهای صادرشده در مردادماه اظهار کرد: از پنج هزار و ۳۲۱ فقره مجوز صادرشده در این ماه، ۹۱۲ فقره مربوط به پنج عنوان مجوز پردرخواست بوده است.

نوروزی افزود: مجوزهای پرتقاضای مردادماه شامل پرورش گاو شیری، تاسیس کودکستان غیردولتی، پروانه تشخیص صلاحیت مسئول فنی داروخانه، کسب‌وکار خانگی خیاطی لباس و پروانه طبابت بوده است.

وی با بیان اینکه ۳۴ دستگاه اصلی در فرآیند صدور مجوزهای کسب‌وکار استان مشارکت دارند، گفت: بیشترین درخواست‌های ثبت‌شده مربوط به اداره‌کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گیلان بوده است.

نوروزی اضافه کرد: در میان شهرستان‌های استان، بیشترین درخواست‌های مجوز کسب‌وکار مربوط به شهرستان رشت و کمترین درخواست مربوط به شهرستان املش بوده است.

گیلان

مدیرکل اوقاف گیلان:

با پدیده جدید موقوفه خواری باید برخورد شود

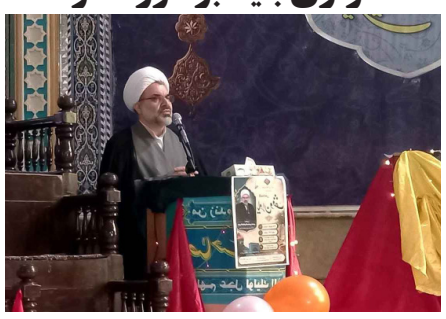

مدیرکل اوقاف گیلان گفت: امروز با پدیده موقوفه‌خواری مواجه هستیم و نیاز است نگاه جامعه نسبت به اهمیت حفظ موقوفات اصلاح شود، چرا که اموال وقفی متعلق به عموم و به‌ویژه اقشار نیازمند جامعه است و باید با پدیده جدید موقوفه خواری به شدت برخورد شود.

حجت الاسلام اسماعیل تدینی با بیان اینکه وقف از شئون ولی امر مسلمین است، اظهارکرد: غصب مال وقفی و تصرف در اراضی موقوفه از نظر شرعی حرام است و آثار و تبعات منفی به همراه دارد، با این حال بخش قابل توجهی از افراد نسبت به احکام و ماهیت موقوفات آگاهی کافی ندارند.

وی از افزایش چشمگیر درآمد موقوفات استان از ۱۰۰ به ۴۰۰ میلیارد تومان در دو سال اخیر خبر داد و گفت: با احیای کامل موقوفات، ظرفیت بی‌بدیل برای حل معضلات اجتماعی، درمانی و آموزشی در استان وجود دارد و دیگر نیازی به نهادهای حمایتی نخواهد بود.

حجت الاسلام تدینی ضمن تبریک هفته وقف و گرامیداشت یاد شهدای دفاع مقدس و شهدای جبهه مقاومت، با اشاره به تغییر تاریخ برگزاری هفته وقف از روز شهادت به روز میلاد حضرت امام حسن مجتبی(ع)، این تغییر را فرصتی برای تبیین بیشتر فرهنگ وقف دانست.

مدیر کل اوقاف گیلان با بیان اینکه استان گیلان به دلیل وجود بیش از هزار امامزاده، ۳ هزار مسجد، پنج هزار موقوفه و ۳۰ هزار رقبه یکی از استان‌های پیشتاز در حوزه خیرخواهی و نوع دوستی است، گفت: مردم گیلان در یک سال گذشته، یک هزار میلیارد تومان به حوزه سلامت کمک کردند که نشان دهنده سرمایه عظیم دینی و مذهبی این استان است.

مدیرکل اوقاف و امور خیریه استان گیلان با تأکید بر ضرورت احیای موقوفات و حفظ حقوق موقوفه، اظهار داشت: در دو سال اخیر، موفق به اخذ سند مالکیت برای ۶ هزار قطعه زمین وقفی شدیم و درآمد موقوفات استان را از ۱۰۰ میلیارد تومان به حدود ۴۰۰ میلیارد تومان افزایش دادیم، این درآمدها صرف امور خیریه، درمانی، جهیزیه، بسته‌های معیشتی و تحصیلی می‌شود.

تدینی با اشاره به اهمیت سرمایه‌گذاری روی موقوفات، از اجرای پروژه‌های بزرگ عمرانی در استان خبر داد و افزود: به‌زودی پروژه‌هایی در تالش به ارزش ۲۰۰ میلیارد تومان کلنگ زنی می‌شود که با مشارکت بخش خصوصی، اشتغالزایی و درآمدزایی پایدار را به همراه خواهد داشت.

وی با بیان اینکه برخی دستگاه‌ها بدون توجه به وقفی بودن املاک، اقدام به صدور پروانه یا ارائه خدمات می‌کنند، هشدار داد: تجاوز به موقوفات، ظلم به ایتام و فقراست و ما از هرگونه غصب و سوءاستفاده جلوگیری می‌کنیم و با جدیت از حقوق موقوفه دفاع خواهیم کرد.

با پدیده جدید موقوف خواری باید برخورد جدی شود

در حاشیه مراسم نیز مدیرکل اوقاف و امور خیریه استان گیلان در گفت و گو با ایرنا بر لزوم فرهنگسازی در خصوص اهمیت وقف تأکید کرد و گفت: وقف فقط محدود به امور مذهبی نیست در حوزه علم و فناوری، درمان، اشتغال و مسکن نیز می‌توان از ظرفیت وقف بهره برد، دانشگاه هاروارد و بسیاری از مؤسسات علمی برتر جهان، حاصل فرهنگ وقف است.

وی بیان کرد: اولین موقوفه در ایران اسلامی متعلق به شهر تبریز و در ۷۰۰ سال پیش است و نشان دهنده پیشتازی مردم ایران در این زمینه است.

حجت الاسلام تدینی با بیان اینکه استان گیلان ظرفیت تبدیل شدن به الگویی موفق در حوزه وقف را دارد، تأکید کرد: با احیای کامل موقوفات میتوان بسیاری از مشکلات معیشتی، درمانی و آموزشی مردم را بدون نیاز به اعتبارات دولتی حل کرد و به عدالت اجتماعی دست یافت.

مدیرکل اوقاف و امور خیریه استان گیلان خاطرنشان کرد: اگر موقوفات از دست غیر گرفته و در محل خود استفاده شود، مشکلات مردم حل خواهد شد؛ در حال حاضر ۷۰۰ پرونده در خصوص دست درازی به موقوفات در دادگاه تشکیل شده است.مدیرکل اوقاف و امور خیریه گیلان، بقاع متبرکه و موقوفات را بستری برای فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی دانست و گفت: موقوفات تنها دارایی‌هایی برای نگهداری نیستند، بلکه باید آثار و منافع آن‌ها در زندگی مردم، تأمین مسکن، توسعه خدمات و حمایت از نیازمندان مشاهده شود.

وی با اشاره به نمونه‌ای از کارکرد اقتصادی و اجتماعی موقوفات، اظهار کرد: زمینی که در گذشته کاربری کشاورزی داشته است، با مدیریت صحیح می‌تواند به مجموعه‌ای از واحدهای مسکونی، تجاری و خدمات عمومی تبدیل شود و ضمن حفظ حقوق موقوفه، بخشی از نیازهای جامعه را نیز پاسخ دهد.حجت الاسلام تدینی، خدمت ماندگار واقفان را حاصل نگاه مهربانانه آنان به مردم دانست و افزود: بسیاری از واقفان حاصل یک عمر تلاش خود را برای رفع نی

روزنامه نسیم
www.nasimnews.com
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: ابراهیم بهمنی جلالی
لیتوگرافی و چاپ شاخه سبز قم
تلفن تماس: ۳۳۸۵۵۰۰۳ – تلفکس: ۳۳۸۵۵۰۰۲
آدرس: خیابان شهدا– نبش خیابان پاستور
سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و ورزشی
پنجشنبه ۱۲ شهریور۱۴۰۵ – ۲۱ربیع الاول ۱۴۴۸ –۳ سپتامبر ۲۰۲۶ – شماره ۷۸۲۸
nasimgilan۷۶@yahoo.com

پنج شنبه۱۲شهریور۱۴۰۵
اذان صبح : ۰۴:۳۱
طلوع آفتاب : ۰۵:۴۷
اذان ظهر : ۱۲:۰۷
غروب آفتاب : ۱۸:۲۸
اذان مغرب : ۱۸:۴۷
نیمه شب : ۲۳:۲۵

آفتابی

جنگ اقتصادی علیه ایران؛ تشدید فشار یا اعتراف آمریکا به محدودیت قدرت؟

پس از ناکامی آمریکا در بُعد نظامی،واشنگتن فشار اقتصادی علیه ایران را تشدید کرده است؛ قبض جنگ اقتصادی ترامپ روی میز متحدان واشنگتن قرار گرفته و هزینه‌های این راهبرد فرسوده را افزایش داده است.

آمریکا در روزهای اخیر دوباره به سراغ همان ابزاری رفته است که سال‌ها یکی از پایه‌های سیاست نافرجامش در قبال ایران بوده‌است. این بار اما شرایط با گذشته تفاوت دارد. آمریکا پس از ورود مستقیم به جنگ متجاوزانه و تحمل هزینه‌های نظامی، در حالی دامنه فشار اقتصادی را گسترش می‌دهد که اقتصاد ایران طی بیش از چهار دهه تحریم، مسیرهای تازه‌ای برای تجارت و تأمین مالی پیدا کرده و روابط اقتصادی تهران با بازیگران اثرگذار منطقه‌ای و بین‌المللی نیز عمیق‌تر شده است.

از سوی دیگر، گسترش فشارها به کشورهای مختلفی مانند عراق، امارات و ترکیه نشان می‌دهد اجرای یک محاصره اقتصادی گسترده دیگر صرفاً رویارویی میان واشنگتن و تهران نیست و می‌تواند بازیگران بیشتری را درگیر کند.

اکنون مسئله این است که آیا آمریکا با تغییر میدان فشار می‌تواند همان هدفی را دنبال کند که در میدان نظامی به آن دست نیافته است، یا اینکه گسترش جنگ اقتصادی، محدودیت‌های قدرت واشنگتن را بیش از گذشته آشکار خواهد کرد؟

تغییر زمین بازی از میدان جنگ به میدان اقتصاد

حدود ۶ ماه پس از حملات متجاوزانه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، واشنگتن اکنون از ورود به مرحله‌ای تازه در فشار علیه تهران سخن می‌گوید؛ مرحله‌ای که به‌جای اتکای صرف به قدرت نظامی، بر محاصره اقتصادی، محدود کردن درآمدهای نفتی و قطع مسیرهای مالی و تجاری ایران متمرکز شده است. دونالد ترامپ این مرحله را یک «عملیات اقتصادی» گسترده توصیف کرده و اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری وی نیز مدعی اعمال «سخت‌ترین تحریم‌های تاریخ» علیه ایران شده است.

این تغییر در شرایطی اتفاق می‌افتد که هزینه‌های نظامی آمریکا در جنگ با ایران افزایش یافته است. بر اساس ارزیابی منابع آمریکایی، ارتش این کشور در جریان چند ماه درگیری تقریباً تمام ذخایر موشک‌های دوربرد دقیق خود از نوع «اتکمز» و «پریسیژن استرایک» را مصرف کرده و بخش قابل توجهی از ذخایر موشک‌های تاماهاوک و رهگیرهای پاتریوت و تاد نیز به کار گرفته شده است. چنین فشاری بر ذخایر تسلیحاتی، ادامه یک جنگ فرسایشی را برای واشنگتن پرهزینه‌تر می‌کند. در همین فضا، فشار اقتصادی به ابزاری تبدیل شده است به آن امید که بتواند بدون نیاز به گسترش عملیات نظامی، هزینه‌های جدیدی به تهران تحمیل کند. دولت آمریکا از کشورها و شرکت‌هایی که همچنان با ایران تجارت می‌کنند خواسته است از این تهران فاصله بگیرند و برای طرف‌هایی که به همکاری اقتصادی با ایران ادامه دهند، تهدید به تحریم و مجازات اقتصادی کرده است. به این ترتیب، واشنگتن تلاش می‌کند دامنه فشار را از میدان نظامی به شبکه‌ای گسترده‌تر از بانک‌ها، شرکت‌ها، صادرکنندگان نفت و مسیرهای تجاری منتقل کند.

کاظم غریب‌آبادی، معاون وزیر امور خارجه ایران در این ارتباط تاکید کرد آمریکا پس از آنکه جنگ نظامی به نتیجه موردنظرش نرسید، اکنون نام جنگ اقتصادی را برای مرحله بعدی فشار انتخاب کرده است. این برداشت با واقعیتی که در سیاست جدید واشنگتن دیده می‌شود همخوانی دارد به این معنی که اصل فشار کنار گذاشته نشده اما میدان اعمال آن تغییر کرده است.

در نتیجه، مسئله اصلی دیگر فقط توان نظامی آمریکا نیست بلکه این است که واشنگتن تا چه اندازه می‌تواند از ظرفیت مالی و اقتصادی خود برای ادامه فشار استفاده کند، بدون آنکه هزینه این سیاست از کنترل خارج شود.

قبض جنگ اقتصادی روی میز متحدان آمریکا

جنگ اقتصادی آمریکا علیه ایران به‌تدریج از یک ابزار فشار دوجانبه خارج شده و هزینه‌های آن را به کشورهایی منتقل می‌کند که خود با واشنگتن روابط نزدیک سیاسی و اقتصادی دارند. عراق، امارات و ترکیه از یک سو برای حفظ مناسبات خود با آمریکا ناچار به محاسبه هزینه تحریم‌ها هستند و از سوی دیگر، اختلال در تجارت، انرژی و مسیرهای صادراتی ایران مستقیماً منافع اقتصادی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. عراق نمونه روشنی از این تناقض است. بر پایه برخی گزارش‌ها، همزمان با سفر چند روز پیش محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی به بغداد، هیئت الحلبوسی رئیس پارلمان عراق، خواستار برخورداری کشورش از «امتیاز ویژه»

برای صادرات نفت از تنگه هرمز شد و تأکید کرد عراق از تحولات جاری منطقه به‌شدت آسیب دیده است. درخواست بغداد در واقع نشان می‌دهد فشار اقتصادی و اختلال در مسیرهای انرژی، کشوری را که با آمریکا نیز ارتباط دارد، برای حفظ منافع خود محتاج دریافت تضمین و امتیاز کرده است.

اهمیت موضوع برای عراق زمانی بیشتر آشکار می‌شود که بدانیم اقتصاد این کشور به‌شدت به نفت وابسته است. بر پایه برخی گزارش‌ها، صادرات نفت عراق که پیش از بحران حدود ۳.۵ میلیون بشکه در روز بود، در مقطعی به حدود ۲۰۰ هزار بشکه کاهش یافت و افت درآمدهای نفتی حتی پرداخت حقوق کارکنان دولت را با مشکل مواجه کرد.

بغداد در چنین شرایطی به توافق با ترکیه برای انتقال دست‌کم ۷۵۰ هزار بشکه نفت در روز از مسیر جیحان روی آورده است؛ اقدامی که نشان می‌دهد تبعات بحرانی که واشنگتن برای فشار بر ایران تشدید کرده، اکنون دولت‌های نزدیک به آمریکا را نیز به جست‌وجوی مسیرهای اضطراری وادار کرده است.

امارات نیز با همین دوگانگی روبه‌رو است. ابوظبی در ۱۸ اوت (۲۷ مرداد) تجارت و مبادلات مالی با ایران را متوقف کرد اما همزمان اختلال در تجارت منطقه‌ای و مسیرهای انرژی، منافع اقتصادی این کشور را تحت فشار قرار داده است.

دبی سال‌ها از تجارت و بازصادرات کالا به ایران سود برده و هرگونه کاهش این مبادلات، مستقیماً بخشی از فعالیت اقتصادی آن را محدود می‌کند. از سوی دیگر، افزایش قیمت انرژی در نتیجه اختلال در هرمز، برای اقتصادی که به تجارت، حمل‌ونقل و واردات وابستگی بالایی دارد، هزینه ایجاد می‌کند.

این هزینه‌ها به منطقه نیز محدود نمی‌ماند و روند افزایشی بهای انرژی متحدان آمریکا در سراسر جهان را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. به عنوان نمونه نفت برنت در ۲۱ اوت (۳۰ مرداد) در محدوده ۹۳ دلار قرار گرفت و طی یک هفته بیش از ۷ درصد افزایش یافت چرا که اختلال در تردد از تنگه هرمز همچنان بازار انرژی را نگران نگه داشته است.

در چنین شرایطی، آمریکا برای افزایش فشار بر ایران نه‌تنها باید هزینه‌های مستقیم عملیات و تحریم را بپردازد بلکه با افزایش قیمت انرژی، آسیب به تجارت متحدان و بی‌ثباتی بازارهای منطقه‌ای نیز مواجه می‌شود؛ بنابراین قبض جنگ اقتصادی که واشنگتن برای تهران صادر کرده، بخشی از آن اکنون روی میز متحدان خود آمریکا قرار گرفته است.

فرسایش فشار حداکثری

مسئله اصلی در مرحله تازه فشار آمریکا فقط شدت تحریم‌ها نیست بلکه نسبت میان فشار و نتیجه سیاسی است. واشنگتن ادعا می‌کند که با ترکیب محاصره و آنچه «سخت‌ترین تحریم‌های تاریخ» خوانده، می‌تواند اقتصاد ایران را تا نقطه فروپاشی پیش ببرد و تهران را به پذیرش خواسته‌هایش وادار کند.

تجربه چند دهه تحریم اما نشان داده است که افزایش هزینه اقتصادی لزوماً به تغییر محاسبات سیاسی ایران منجر نمی‌شود. حتی گزارش‌های اخیر آمریکایی نیز اذعان دارند که فشار اقتصادی گذشته نتوانسته تهران را به پذیرش خواسته‌های واشنگتن وادار کند و دولت ترامپ اکنون در حال آزمودن نسخه‌ای شدیدتر از همان سیاست شکست‌خورده است.

تفاوت امروز با کارزارهای قبلی در این است که آمریکا برای افزایش اثرگذاری تحریم‌ها، باید شبکه اقتصادی پیرامون ایران را نیز تحت فشار قرار دهد. تهدید چین، امارات، ترکیه و عراق نشان می‌دهد واشنگتن دیگر صرفاً با اقتصاد ایران مواجه نیست بلکه با شبکه‌ای از روابط تجاری، انرژی و مالی روبه‌رو است که طی سال‌های تحریم شکل گرفته است.

از نگاه ناظران، هرچه دامنه تحریم‌های ثانویه گسترده‌تر شود، اجرای آن نیز پیچیده‌تر می‌شود و واشنگتن ناچار خواهد بود برای حفظ اثرگذاری تحریم‌ها، منابع بیشتری را صرف کنترل مسیرهای مالی، کشتیرانی، بیمه، بانک‌ها و شرکت‌های ثالث کند.

در مقابل، ایران نیز طی سال‌های تحریم به سمت اقتصاد مقاوم در برابر فشار حرکت کرده است؛ شبکه‌های غیررسمی تجارت، فروش نفت با تخفیف، استفاده از واسطه‌ها و توسعه مسیرهای مالی خارج از نظام غربی بخشی از این سازوکار را تشکیل می‌دهند. حتی در شرایط فعلی که محاصره دریایی صادرات نفت ایران را به‌شدت محدود کرده، تهران به دنبال مسیرهای جایگزین صادرات، ترتیبات بانکی جدید و تنوع‌بخشی به شرکای اقتصادی خود است. گزارش‌های اخیر از تلاش ایران برای ایجاد کریدورهای مالی مستقل از نظام‌های تحت کنترل غرب و توافق برای صادرات نفت به تاجیکستان خبر می‌دهند.

از سوی دیگر، تحریم برای آمریکا نیز دیگر یک ابزار بدون هزینه نیست. واشنگتن اگر بخواهد چین را به دلیل خرید نفت ایران تحت فشار قرار دهد، عملاً بخشی از ظرفیت تحریمی خود را وارد رقابت با بزرگ‌ترین رقیب اقتصادی و راهبردی‌اش می‌کند. اگر هم برای حفظ فشار، تجارت امارات، ترکیه و عراق را محدود کند، باید هزینه سیاسی و اقتصادی این اقدامات را در روابط خود با شرکای منطقه‌ای و جهانی بپذیرد.

همزمان، اختلال در انرژی ناشی از بحران ایران به افزایش قیمت سوخت در آمریکا و اروپا کمک کرده و فشار تورمی ایجاد کرده است؛ یعنی ابزار اقتصادی آمریکا می‌تواند بخشی از هزینه خود را به اقتصادهای متحد واشنگتن بازگرداند.

در نهایت، مسئله به آزمونی برای توان آمریکا در تبدیل فشار اقتصادی به نتیجه سیاسی تبدیل شده است.

واشنگتن برای وادار کردن ایران به تغییر رفتار، دامنه فشار را از اقتصاد ایران فراتر برده و خریداران نفت و مسیرهای تجاری مرتبط با تهران را نیز هدف گرفته است؛ رویکردی که نشان می‌دهد برای رسیدن به نتیجه موردنظر، دامنه و هزینه‌های این راهبرد را گسترش داده است.

پژوهش تازه‌ای که در اوت ۲۰۲۶ در «مجله رفتار اقتصادی و سازمان» منتشر شده نیز با بررسی آثار تحریم‌ها هشدار می‌دهد که در نمونه‌های مورد بررسی، تحریم‌ها عموماً نتوانسته‌اند نتایج موردنظر دولت‌های تحریم‌کننده را محقق کنند و در برخی موارد حتی پیامد معکوس داشته‌اند.

از این منظر، جنگ اقتصادی اگرچه می‌تواند هزینه‌های ایران را افزایش دهد اما افزایش هزینه لزوماً به تغییر محاسبات سیاسی منجر نمی‌شود؛ فاصله‌ای که می‌تواند تعیین‌کننده میزان موفقیت یا ناکامی کارزار تازه فشار واشنگتن باشد.

قالیباف:

در ۱۵ ماه گذشته، به اندازه یک دهه در حوزه نظامی پیشرفت داشتیم

رئیس مجلس شورای اسلامی تاکید کرد: در ۱۵ ماه گذشته، به اندازه یک دهه در حوزه نظامی پیشرفت داشتیم و ایران بیش از دشمن توانسته توان نظامی خود را بازسازی کند.

محمدباقر قالیباف در گفت و گویی ویدئویی با مردم ، در ارائه گزارشی از آخرین وضعیت کشور و نکات مهمی در چهار میدان نظامی، دیپلماسی، خدمت و خیابان به مردم ایران گفت: در میدان نظامی نیروهای ما برخلاف ادعاهای دشمن، فرآیندهای بازسازی و تقویت توان نظامی خود را به خوبی انجام می دهند و در حوزه بازسازی ادوات نظامی و عرصه آفندی و پدافندی به بهترین شکل کار را پیش می‌برند.

رئیس مجلس شورای اسلامی افزود: دلیل روشنش هم این است که فناوری ما بومی است و جوانان کشور این کار را انجام می دهند و دست نیاز به سمت دشمن ندارند.

به گزارش ایرنا، وی تاکید کرد: همه شما شاهد بودید و دیدید که در هر دوره از جنگ از جنگ‌های اخیر، ما در هر بخشی بهتر، دقیق‌تر و موثرتر از دوره قبل اقدامات لازم را انجام می‌دادیم و جنگیدیم و این به وضوح روشن بود و این را هم ملت ایران و هم دنیا دیدند و بر آن صحه گذاشتند.

رئیس قوه مقننه تاکید کرد: نیروهای نظامی ما با تجارب دوره‌های جنگی یک جهش قابل توجهی را در کیفیت عمل خود داشتند. اگر بگویم در این ۱۵ ماه گذشته که ما درگیر دو جنگ بودیم، به اندازه یک دهه پیشرفت و جهش در کار داشتیم، حرف گزافی نیست و این به غیرت و برکت خون شهدا به ویژه امام شهید ما انجام شد.

نیروهای مسلح ایران کنترل تنگه را به‌طور کامل در دست دارند

رئیس مجلس شورای اسلامی درباره آخرین تحولات تنگه هرمز گفت: ما در یک جنگ تمام عیار نظامی و پیچیده با دشمن قدرتمند هستیم. در برخی مقاطع، دشمن توفیق اندکی پیدا کرده و توانسته به فرض چند کشتی را عبور دهد، اما نکته اصلی این است که نیروهای نظامی ما کنترل تنگه را به‌طور کامل در دست دارند و اجازه باز شدن آن را نمی‌دهند.

قالیباف تاکید کرد: در هر کجا حرکتی از دشمن ببینند، با اقتدار و دقت عکس‌العمل نشان می‌دهند و اجازه نمی‌دهند آنها از تنگه عبور کنند. همه دیدند که در زد و خوردهای اخیر، دشمن به علت اینکه ما بر تنگه اعمال قدرت می‌کردیم، تلاش کرد ضرباتی بزند و متأسفانه دو نفر از عزیزان رزمنده ما به شهادت رسیدند و دو نفر هم به سختی مجروح شدند، ولی ما در تنها چند ساعت پاسخ سهمگینی به آنها دادیم و موشک‌های ما بر سر آنها فرود آمد.

تحت هیچ شرایطی در زمین دشمن بازی نکنیم

رئیس هیات مذاکره‌کننده ایران تاکید کرد: امروز همه ما یعنی مردم، مسئولان و مدیران در هر سطحی که هستند، دقت کنیم و آگاه باشیم و تحت هیچ شرایطی در زمین دشمن بازی نکنیم و در زمین دشمن قرار نگیریم. این بسیار مهم است. بعضی اوقات ممکن است یک اشتباه ساده ما یا یک اتفاق کوچک، تبدیل به یک حادثه بزرگ شود. البته مردم ما در همه این صحنه‌ها نشان داده‌اند که همیشه پیشتاز، پیش‌آهنگ و پیش‌قراول بوده‌اند و هیچ‌وقت اجازه نداده‌اند که دشمن بیاید و خدای ناکرده از مردم ما سوءاستفاده کند. این را باید بدانیم که ما این فرصت را از دشمن گرفته‌ایم و این بسیار مهم است چون جز گام‌های آخری است که دشمن می‌خواهد بردارد.

رهبر انقلاب اسلامی درباره انسجام و اتحاد در کشور اتمام حجت کردند

قالیباف میدان چهارم یعنی خیابان را میدان اجتماعی برشمرد و گفت: باید در این شرایط در کشور منسجم و متحد باشیم. در همین دو پیام اخیر مقام معظم رهبری، چه به مناسبت هفته وحدت و چه به مناسبت هفته دولت، بر این موضوع تأکید و اتمام حجت شد.

وی با تاکید بر اینکه باید یکدیگر را به انسجام اجتماعی امر کنیم و به یکدیگر متذکر شویم، افزود: هر اقدامی که این اصل را خدشه‌دار کند، بزرگ‌ترین منکر را انجام داده است. اصل انسجام و در کنار هم بودن، باعث شد ما در جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه دشمن را شکست دهیم. این انسجام بود که برای نیروهای مسلح و مدیران ما روحیه‌بخش بود. بعد از لطف خدا، همت و انسجام مردم بود که دشمن را وادار به عقب‌نشینی کرد و این پیروزی را نصیب ما کرد.

باید با یک نگاه ملی، همه اختلافات را کنار بگذاریم

قالیباف یادآور شد: ما باید با یک نگاه ملی، همه این اختلافات را کنار بگذاریم. پیام رهبر معظم انقلاب، با ذکر جزئیات دقیق، تکلیف همه ما را روشن کرده است. هر کس از هر طرف، بر دوگانه‌هایی که مقام رهبری و ولایت آنها را موهوم دانسته‌اند و نسبت به آنها روشنگری کرده‌اند، اصرار کند، خلاف شرع بیّن و ضد منافع ملی و امنیت ملی عمل کرده و باید در پیشگاه ملت شریف ایران، امام شهیدمان و دیگر شهدایمان پاسخگو باشد.

رئیس مجلس شورای اسلامی تاکید کرد: ما در مقابل دشمن مقاومت می‌کنیم؛ مقاومتی ملی و انقلابی و دشمن را عقب می‌زنیم تا نشان دهیم ایران هر روز از روز قبل قوی‌تر است. با قوی بودن است که دشمن را وادار به عقب‌نشینی می‌کنیم و تحت هر شرایطی به دشم اجازه نخواهیم داد پا روی شرافت و عزت ما بگذارد.وی ادامه داد: ما در این راه می‌ایستیم و هرگز اجازه نمی‌دهیم شرافت، عزت و وطن ما مورد تجاوز دشمن قرار بگیرد. در این زمینه همه ما مسئولیم. باید بسیار مراقب و محکم باشیم و خطای محاسباتی نکنیم. از آن طرف هم مردم ما باید منسجم باشند.

می‌توانیم نقاط ضعفی را که وجود دارد در درون خودمان حل کنیم

وی افزود: در مقام روایت واقعیت‌ها و اشکالاتی که وجود دارد، باید روی نقاط قوت صحبت کنیم و بر آنها تأکید داشته باشیم. البته باید نقاط ضعف را حل کنیم؛ ما می‌توانیم نقاط ضعفی را که وجود دارد در درون خودمان حل کنیم و این ما هستیم که باید این کار را انجام دهیم.

قالیباف با بیان اینکه ما واقعا در این جنگ پیروز شدیم و دشمنی را که از لحاظ مادی بسیار قدرتمند بوده، شکست دادیم، گفت: به جای بیان مشکلات، باید راه‌حل‌ها را در دست بگیریم و حرکت کنیم. اینهاست که دشمن را ناامید می‌کند.

وی در پایان خطاب به مردم خاطرنشان کرد: به ملت بزرگ ایران اطمینان می‌دهم که با عنایت‌های ویژه الهی، حضور هوشمندانه شما در صحنه و با انسجام و وحدتی که بین مسئولان نظام در این چهار میدان، ذیل رهنمودهای رهبر عالیقدرمان وجود دارد، به فضل الهی ایران عزیز ما از این آزمون بزرگ سربلند بیرون خواهد آمد و افتخار عظیمی برای ایران و همه ایرانیان در تاریخ جهان ثبت خواهد شد.

طرح مقابله با نفوذ؛ مجلس بر سر دوراهی امنیت و ابهام

تصویب کلیات طرح «مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی و دولت‌ها یا نهادهای بیگانه» در مجلس با واکنش‌های متعدد و بعضا تند در فضای مجازی روبرو شد؛ واکنش‌هایی که بخش مهمی از آنها نه ناظر بر اصل ضرورت مقابله با نفوذ و فعالیت‌های اطلاعاتی بیگانگان، بلکه متوجه برخی ابهامات و گستردگی مجازات پیش‌بینی‌شده در جزئیات این طرح است.

به گزارش ایسنا، روز گذشته مجلس کلیات طرح «مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی و دولت‌ها یا نهادهای بیگانه» را تصویب کرد؛ طرحی که در شرایط حساس کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است اما همزمان برخی مواد آن پرسش‌ها و نگرانی‌هایی را در فضای عمومی و رسانه‌ای ایجاد کرده است.

فارغ از اینکه جزئیات این طرح در ادامه به صورت یک‌شوری (بررسی در صحن) یا دوشوری (پس از بررسی مجدد در کمیسیون) مورد رسیدگی قرار گیرد، آنچه اهمیت دارد این است که در فرآیند بررسی جزئیات، ابهامات موجود به دقت برطرف شود و میان «مقابله با نفوذ» و ایجاد محدودیت‌های گسترده برای فعالیت‌های قانونی شهروندان مرزبندی روشنی وجود داشته باشد.

این موضوع از آن جهت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که پس از انتشار خبر تصویب کلیات طرح، خروجی‌های اطلاع‌رسانی اخبار رهبر معظم انقلاب در فضای مجازی بخشی از پیام رهبر انقلاب به‌مناسبت سالروز افتتاح اولین دوره مجلس شورای اسلامی و آغاز سومین سال فعالیت مجلس دوازدهم را با عنوان «مجلس براساس نیازهای مردم و معطوف به امیدآفرینی و آینده‌سازی کشور باشد» بازنشر کرد.

در این بخش از پیام رهبر انقلاب آمده است «لازم است مصوبات مجلس با مسائل اصلی کشور و نیازهای مردم نسبتی مستقیم و مشهود داشته باشد و معطوف به امیدآفرینی و آینده‌سازی کشور باشد.

جامعه پیش از هر چیز نیازمند مشاهده‌ی نشانه‌های واقعی امید، مسیر باثبات و چشم‌انداز روشن از آینده است تا بتواند بر اساس آن برنامه‌ریزی و حرکت کند و نمایندگان مجلس با مواضع، مصوّبات و نطق‌های خود میتوانند مجلس شورای اسلامی را نهاد پیشران امیدآفرینی نمایند.»

بازنشر این بخش از پیام رهبر انقلاب، می‌تواند دست‌کم یادآور یک اصل مهم در قانون‌گذاری باشد؛ اینکه مجلس باید در کنار توجه جدی به مسائل امنیتی و مقابله با تهدیدهای واقعی، نسبت به مصوبات خود با نیازهای جامعه، آرامش عمومی، امیدآفرینی و مسائل اصلی کشور را نیز مورد توجه قرار دهد.

تردیدی نیست که در شرایطی که کشور همچنان با تبعات جنگ و فشارهای امنیتی و اقتصادی مواجه است، مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه و برخورد با اقداماتی که امنیت ملی را تهدید می‌کند، ضرورتی انکارناپذیر است، اما در چنین شرایطی نیز قانون باید تا حد امکان دقیق، شفاف و قابل تفسیر واحد باشد تا از ایجاد برداشت‌های متفاوت و سلیقه‌ای جلوگیری شود.

یکی از مواردی که در گزارش‌های منتشرشده درباره جزئیات طرح مورد توجه قرار گرفته، موضوع تعیین مجازات برای مصاحبه با رسانه‌های خارجی است. همچنین در بخش‌هایی

از طرح مجازات‌هایی برای ارتباط با نمایندگی‌های سیاسی و فرهنگی خارجی پیش‌بینی شده و اینکه باید از وزارت خارجه برای ارتباط با سفارت‌خانه‌ها مجوز گرفته شود.

بحث محرومیت برای کارگردانان و بازیگرانی که سیاه‌نمایی از چهره کشور می‌کنند، نیز آمده است.

اما پرسش مهم اینجاست؛ مرجع تشخیص دقیق این موارد کدام نهاد است و اساسا معیار تشخیص چیست؟

برای مثال، اگر قرار برای ایجاد محدودیت برای مصاحبه با رسانه‌های خارجی است، یعنی مقامات و مسئولان و کارشناسان مختلف هم حق مصاحبه ندارند؟ فرآیند دریافت مجوز چگونه خواهد بود؟ این وضعیت محدودیت را برای خبرنگاران رسانه‌های داخلی، پژوهشگران، استادان دانشگاه یا فعالان رسانه‌ای ایجاد می‌کند.

در حوزه فرهنگ و هنر نیز موضوع حساس‌تر است. اینکه یک اثر هنری با هدایت یا حمایت بیگانه تولید شده، موضوعی قابل بررسی است اما عبارت‌هایی مانند «ارائه تصویر منفی و سیاه از ایران» بدون تعریف دقیق و معیار روشن، می‌تواند محل برداشت‌های متعدد باشد.

هنر و نقد اجتماعی ذاتا با بیان مشکلات و آسیب‌های جامعه سروکار دارند و باید میان سیاه‌نمایی با هدف ضربه به امنیت ملی و نقد اجتماعی و هنری مشکلات کشور تفکیک روشنی ایجاد شود.

در موضوع ارتباط با سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های خارجی نیز باید مشخص شود که آیا هرگونه ارتباط و دیدار نیازمند مجوز است یا صرفا ارتباطات خاص و مشکوک و مرتبط با فعالیت‌های اطلاعاتی. طبیعتا میان یک ارتباط دیپلماتیک، دانشگاهی، فرهنگی یا رسانه‌ای معمول با همکاری اطلاعاتی و سازمان‌یافته با یک سرویس بیگانه تفاوت اساسی وجود دارد و قانون باید این مرز را روشن کند.

از این منظر، شاید حداقل انتظار این باشد که مجلس در بررسی جزئیات، یک بازنگری جدی و کارشناسی در مواد بحث‌برانگیز داشته باشد و ضمن حفظ هدف اصلی طرح یعنی مقابله مؤثر با نفوذ و جاسوسی، از وضع احکام و مجازاتی که می‌تواند موجب تفسیرهای گسترده یا محدودیت‌های ناخواسته شود، جلوگیری کند.

امنیت ملی و حقوق عمومی دو مفهوم متعارض نیستند؛ قانون خوب باید بتواند هر دو را همزمان تأمین کند. مقابله با نفوذ زمانی مؤثرتر خواهد بود که مردم، رسانه‌ها، دانشگاهیان و فعالان فرهنگی بدانند دقیقا چه اقدامی جرم و ممنوع است و چه رفتاری همچنان در چارچوب قانون مجاز خواهد بود.

در نهایت، در شرایطی که کشور بیش از هر زمان دیگری به انسجام، آرامش و اعتماد عمومی نیاز دارد، انتظار می‌رود نمایندگان مجلس ضمن صیانت قاطع از امنیت ملی، در بررسی جزئیات این طرح به گونه‌ای عمل کنند که قانون نه تنها ابزار مؤثری برای مقابله با نفوذ باشد بلکه از ایجاد ابهام، برداشت‌های سلیقه‌ای و نگرانی‌های غیرضروری در جامعه نیز جلوگیری کند.مجلس می‌تواند با اصلاح دقیق مواد بحث‌برانگیز، تعیین مراجع تشخیص مشخص، تعریف روشن عناوین، پیش‌بینی حق دفاع و اعتراض و تفکیک فعالیت‌های عادی از اقدامات سازمان‌یافته و امنیتی، هم هدف اصلی طرح را حفظ کند و هم آن را با همان معیار مهمی که در پیام اخیر رهبر انقلاب مورد تأکید قرار گرفته است، یعنی توجه مستقیم به نیازهای جامعه و امیدآفرینی، منطبق‌تر سازد.

معاون سیاسی وزیر کشور:

پیشنهاد انتخابات مجلس و ریاست جمهوری در یک روز؛ لایحه تجمیع انتخابات به مجلس می‌رود

معاون سیاسی وزیر کشور از تدوین پیشنهاد برگزاری همزمان انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست‌جمهوری خبر داد و گفت: در صورت تصویب لایحه در مجلس، این دو انتخابات می‌توانند در اردیبهشت ۱۴۰۷ به صورت همزمان برگزار شوند.

«علی زینی‌وند» معاون سیاسی وزیر کشور و رئیس ستاد انتخابات وزارت کشور درباره زمان برگزاری انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا گفت: هنوز تاریخ قطعی انتخابات مشخص نشده، اما بررسی‌های کارشناسی برای تعیین نخستین فرصت ممکن انجام شده است. به گفته وی، بیشتر فرایندهای انتخابات انجام شده و تنها تبلیغات و روز رأی‌گیری باقی مانده است.

وی افزود: برگزاری انتخابات در شرایط عادی نیازمند حدود یک سال برنامه‌ریزی، آموزش، تأمین زیرساخت، چاپ تعرفه و فراهم کردن امکانات است، اما با توجه به شرایط موجود، باید ملاحظات سیاسی و امنیتی نیز در تعیین زمان انتخابات لحاظ شود.رئیس ستاد انتخابات وزارت کشور درباره امکان تجمیع انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری گفت: بر اساس قانون فعلی، انتخابات مجلس باید در اسفند ۱۴۰۶ و انتخابات ریاست‌جمهوری در خرداد یا حداکثر تیر ۱۴۰۷ برگزار شود.

زینی‌وند افزود: تجربه برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری پس از شهادت رئیس‌جمهور و برگزاری انتخابات مجلس در فاصله‌ای کوتاه، ضرورت بازنگری در این روند را بیشتر کرد. وی با اشاره به هزینه‌های برگزاری انتخابات گفت: منطقی نیست کشور در فاصله دو ماه، دو بار انتخابات برگزار کند. به همین دلیل در معاونت سیاسی وزارت کشور کارگروهی با حضور نمایندگان مجلس، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و کارشناسان تشکیل شده تا خلأهای موجود بررسی شود.

نایب رئیس مجلس:

شیطنت‌های آمریکا حداقل تا ۶۳ روز دیگر ادامه پیدا خواهد کرد

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی تاکید کرد: شیطنت‌های چند روز گذشته آمریکا نشان از آن دارد که حداقل تا ۶۳ روز دیگر که انتخابات در آن کشور برگزار شود، این شیطنت‌ها ادامه پیدا خواهد کرد.

حمیدرضا حاجی‌بابایی، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: همان‌طور که ملت بزرگ ایران اطلاع دارند، جنگ آمریکای جنایتکار علیه ما جنگی ترکیبی است؛ یعنی این جنگ هم در اقتصاد، هم حمله نظامی، هم شیطنت سیاسی، هم فناوری و هم فضای مجازی و همه امکاناتی که دشمن می‌تواند امروز علیه ما به کار بگیرد، وجود دارد. شیطنت‌های چند روز گذشته آمریکا نشان از آن دارد که حداقل تا ۶۳ روز دیگر که انتخابات در آن کشور برگزار شود، این شیطنت‌ها ادامه پیدا خواهد کرد.وی در ادامه با تاکید بر اینکه مهم‌ترین موضوعی که آمریکا به آن می‌اندیشد، فشار اقتصادی بر ملت بزرگ ایران است اظهار کرد: مسئولان ما پاسخ نظامی محکمی را به آمریکا دادند و می‌دهند و این قابل تقدیر است و در این عرصه حملات ما نیز باید حملات ترکیبی باشد. آمریکا حمله نظامی کرده و ما پاسخ می دهیم؛ اگر چه پاسخ ما بسیار بسیار محکم است، اما محاصره اقتصادی چه می‌شود؟ شیطنت‌ها در منطقه چه می‌شود؟ کسانی که در منطقه به راحتی به آمریکا کمک می‌کنند تا آمریکا بتواند کشور خود، فضای جهانی و قیمت نفت را اداره کند چه می شوند؟ پایین آوردن قیمت نفت به دست چه کسانی است؟ این ها در جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران هستند.

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه ما باید پاسخ مناسبی به آمریکا بدهیم تصریح کرد: ما باید آمریکا را در منطقه محاصره کنیم. محاصره او باید محاصره شود تا آمریکا نتواند توسط کشورهای منطقه، نفت صادر کند.